

نشانه‌های قیامت در پرتو روایات صحیح

تألیف:

دکتر حسین تاجی گله‌داری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۳
سخن مؤلف	۷
ایمان به روز قیامت	۹
قیامت نزدیک است	۱۱
نام‌های روز قیامت:	۱۳
وقت وقوع حادثه قیامت بجز الله کسی نمی‌داند	۱۷
نشانه‌های قیامت	۲۰
نشانه‌های صغری (کوچک) قیامت	۲۱
۱- بعثت پیامبر اسلام ﷺ	۲۱
۲- وفات جان‌گداز رسول اکرم ﷺ:	۲۲
۳- فتح بیت المقدس:	۲۴
۴- طاعون عمواس:	۲۵
۵- زیاد شدن مال و دارائی و بی‌نیاز شدن از صدقه	۲۶
۶- فتنه و آشوب	۲۸
۱) شهادت خلیفه مسلمین حضرت عثمان بن عفان ؓ:	۳۰
۲) جنگ جمل:	۳۱
۳) جنگ صفین:	۳۱
۴) فتنه خوارج:	۳۱
۷- ظاهر شدن آتشی از سرزمین حجاز:	۳۲
۸- آمدن مدعیان نبوت:	۳۳
۹- از بین رفتن امانت:	۳۴
۱۰- از بین رفتن علم و زیاد شدن جهل و نادانی:	۳۵

-
-
- ۱۱- زیاد شدن ربا خواری:..... ۳۶
- ۱۲- شراب نوشی و روا دانستن آن:..... ۳۶
- ۱۳- بسیار شدن زنا و فحشاء:..... ۳۷
- ۱۴- آشکار شدن ساز و موسیقی و رقص و همچنین جایز دانستن آن:..... ۳۸
- ۱۵- زینت دادن مساجد:..... ۳۸
- ۱۶- رقابت با یکدیگر در ساختن ساختمانهای بلند:..... ۳۹
- ۱۷- کنیز مالک و آقای خود را بزاید:..... ۳۹
- ۱۸- قتل و کشتار زیاد:..... ۴۰
- ۱۹- پدیدار شدن شرک در این امت:..... ۴۱
- ۲۰- نزدیک شدن زمان (کم شدن فاصله‌ها):..... ۴۲
- ۲۱- نزدیک شدن بازارها:..... ۴۳
- ۲۲- زیاد شدن دروغ:..... ۴۴
- ۲۳- زیاد شدن تجارت:..... ۴۴
- ۲۴- آزمندی و بخل زیاد:..... ۴۵
- ۲۵- زلزله‌های بسیار:..... ۴۶
- ۲۶- آرزو و تمنای مرگ کردن:..... ۴۷
- ۲۷- بارندگی بسیار و رویش کم گیاهان:..... ۴۸
- ۲۸- مسخ شدن چهره‌ها و پدیدار شدن خسف (فرو رفتن در زمین) و قذف (پر تاب سنگ از آسمان):..... ۴۸
- ۲۹- زنان پوشیده‌ی عریان ۵۰
- ۳۰- کم شدن افراد صالح ۵۱
- ۳۱- زیاد شدن زنان و کم شدن مردان ۵۱

-
-
- ۳۲- مرگ ناگهانی (و سگته) ۵۲
- ۳۳- قطع رحم و بریدن پیوند خویشاوندی ۵۲
- ۳۴- سر زمین عرب دوباره سر سبز و خرم می‌شود ۵۳
- ۳۵- سخن گفتن درندگان و جمادات با انسان ۵۳
- ۳۶- از نهر فرات کوه طلا نمایان می‌شود ۵۴
- ۳۷- خروج قحطانی ۵۴
- نشانه‌های بزرگ قیامت ۵۶**
- ظهور مهدی ۵۷
- خروج دجال ۵۹
- مکان خروج دجال: ۶۱
- مدت مکث و ماندنش در زمین: ۶۲
- هلاکت و قتل دجال ۶۲
- نزول حضرت عیسی علیه السلام از آسمان ۶۳
- مدت اقامت حضرت عیسی علیه السلام: ۶۵
- صفت و جایگاه نزول حضرت عیسی علیه السلام: ۶۶
- وفات و مکان دفن حضرت عیسی علیه السلام: ۶۷
- یأجوج و مأجوج ۶۷**
- شکل و صورت آنها: ۶۹
- یأجوج و مأجوج و سد ذوالقرنین: ۷۰
- تعداد یأجوج و مأجوج: ۷۱
- فساد و تبهکاری یأجوج و مأجوج ۷۱
- هلاکت یأجوج و مأجوج ۷۳
- خسوف سه‌گانه ۷۴

-
-
- ۷۵..... دود
- ۷۷..... طلوع خورشید از مغرب
- ۷۸..... خروج جنبنده (دابه) از زمین
- ۷۹..... جنبنده (دابه) چیست؟
- ۷۹..... آتشی که مردم را به محشر سوق می‌دهد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه أجمعين:

سخن مؤلف

روز قیامت مرحله مهم و با اهمیتی در زندگی انسان است، و نمایان گر آنچه که برای انسان اتفاق می افتد، می باشد، از هنگام مرگ تا اینکه در بهشت یا در دوزخ مستقر شود.

کسی روز محشر نگردهد خجل	که شبها بدرگه برد سوز دل
اگر هوشمندی ز داور بخواه	شب توبه تقصیر روز گناه
هنوز از سر صلح داری چه بیم	در عذر خواهان نبندد کریم
کریمی که آوردت از نیست هست	عجب گر یفتی نگیرد دست

قیامت حق است، و در آمدنش هیچ شکی نیست، اما کی خواهد آمد، سوالی است که سید المرسلین در جوابش فرمود: «سؤال شده از سؤال کننده دانایتر نیست (یعنی در این مورد، من از تو عالم تر نیستم)». و علم آن تنها خاص خداوند یگانه است. اما رسول گرامی ﷺ در احادیث و سخنان پاکش ما را از نشانه های قیامت آگاه نموده است، لذا در این کتاب سعی شده؛ آن روایات و احادیث را انتخاب نموده و برای شما خوانندگان محترم ذکر نمایم، باشد که مایه عبرت، و تذکری برای همگان باشد، و همچنین سبب نجاتم در روز آخرت گردد، روزی که ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

﴿٨٨﴾ [الشعراء: ٨٨-٨٩].

«روزی که مال و فرزندان سودی نبخشد. مگر کسی که با قلب سلیم (خالی از شرک و

کفر و نفاق) به پیشگاه خداوند بیاید.»

در آن روز کز فعل پرسند و قول اولوالعزم را تن بلزد ز هول

بیجائی که دهشت خورند انبیاء تو عذر گنه را چه داری؟ بیا

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

خادم العلم والعلماء

دکتر حسین تاجی گله‌داری

شارجه ۲۲ جمادی اول ۱۴۲۷ هـ

ایمان به روز قیامت

ایمان داشتن به روز آخرت رکنی از ارکان ایمان بشمار می آید، ایمان به روز آخرت و آنچه که در آن روز بوقوع می پیوندد و همچنین نشانه‌های آن از امور غیب محسوب می شود. اموری است که انسان نمی تواند با عقل خودش آنها را درک بکند، بلکه راه شناخت آنها فقط از کانال وحی می باشد.

و بخاطر اهمیت روز آخرت می بینیم که خداوند تبارک و تعالی در بیشتر جاهای قرآن کریم ایمان به خودش را ربط می دهد، به ایمان داشتن به روز آخرت چنانچه می فرماید:

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ [البقرة: ۱۷۷].

«نیکو کاری این نیست که چهره هایتان را بطرف مشرق و مغرب متوجه سازید، ولیکن نیکو کار کسی است که ایمان آورد به خدا و روز قیامت ...».

و می فرماید:

﴿ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ [الطلاق: ۲].

«با این حکم کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، پند داده می شود.»

و می فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَالْقَائِمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۶۲].

«و مؤمنان، به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو نازل گردیده؛ ایمان می آورند، و (همچنین) بر پا دارندگان نماز و زکات دهندگان، و مؤمنان به خدا و روز قیامت؛ بزودی به همه ی آنها پاداش بزرگی خواهیم داد.»

همچنین پیامبر ﷺ در احادیث بسیاری ایمان به خدا و روز آخرت را یکجا ذکر می کند و به هم ربط می دهد، و می فرماید:

«من كان يؤمن بالله واليوم الآخر...».

کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، ...

روز آخرت مرحله بسیار مهمی در زندگی انسان می‌باشد ﴿ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ
أَتَّخِذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَعَابًا﴾ [النبا: ۳۹].

«آن است روز حق، (و هر حقیقتی آشکار می‌گردد) پس هر کسی که راه نجات خود را
می‌خواهد، راه باز گشت به درگاه پروردگار را بگیرد.»

زندگی در تصور و جهان بینی اسلامی تنها زندگی کوتاه دنیوی نیست و تنها زندگی در
همین عمر کوتاه انسان خلاصه نمی‌شود بلکه انسان مسلمان این دنیا را مرحله‌ای برای رسیدن
به زندگی جاویدان و سعادت ابدی تلقی می‌کند و از زندگی دنیا و عمر محدودش برای زاد
آخرتش توشه می‌گیرد و می‌داند که دنیا کشتزار آخرت است و برای آن روز زاد و توشه
می‌گیرد.

﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«و توشه بر گیرید؛ که بهترین توشه پرهیزگاری است.»

و فرد مسلمان از آنجای که به روز آخرت ایمان دارد و می‌داند که در ازای خوبی و
نیکی پاداش و در ازای بدی عقاب دارد، برای انجام اعمال نیک و صالح کوشش و تلاش
می‌کند، و برای بدست آوردن اجر و پاداش و خوشنودی پروردگارش در دنیا جهاد و تلاش
می‌کند، و مشکلات و سختی‌ها را متحمل می‌گردد، و بر بلاها صبر می‌کند، و می‌داند
آنچه که نزد پروردگارش در آن جهان دارد، بهتر و پا برجاست.

قرآن کریم در آیات بسیاری بر ایمان داشتن به روز قیامت و زنده شدن بعد از مرگ
تأکید نموده است.

و از مقتضیات ایمان به روز آخرت ایمان داشتن به قرب وقوع قیامت می‌باشد و بر هر
فردی واجب است خود را برای آن آماده سازد بدون اینکه خودش را به وقت وقوع آن،
مشغول بسازد، زیرا که وقت آن از علم غیب است، که نه رسول مرسل، و نه فرشته مقرب

آنها می‌داند، و برای حکمتی که خداوند خودش به آن آگاه‌تر است، وقت حادثه قیامت را منحصر بخود گردانید.

هنگامی که شخص اعرابی از پیامبر خدا از قیامت پرسید حضرت در جواب فرمود:

«ماذا أعددت لها؟»

«چه چیزی بر آن روز آماده کرده ای؟»^(۱).

و در حدیث جبریل هنگامی که پرسیده شد قیامت چه وقتی است؟ فرمودند:

«سوال کننده و پاسخ دهنده در این امر یکسان هستند».

یا کسی که از وی سؤال شده از سؤال کننده آگاه‌تر نیست، ولی من تو را به نشانی‌های آن آگاه می‌سازم...»^(۲).

قیامت نزدیک است

خداوند بزرگ قبل از ۱۴ قرن در قرآن کریم فرموده است که قیامت نزدیک است، و وقت بوقوع پیوستن آن آمده است.

﴿أَقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ﴾ [القمر: ۱].

«قیامت نزدیک شد و ماه بشکافت»

و می‌فرماید:

﴿يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ ۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ ۚ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ

تَكُونُ قَرِيبًا﴾ [الأحزاب: ۶۳].

«ای پیامبر! مردم تو را از (زمان قیامت) قیامت می‌پرسند، بگو: «علم آن تنها نزد الله است» و تو چه می‌دانی شاید که قیامت نزدیک باشد».

۱- صحیح بخاری (۵۸۱۵) و صحیح مسلم (۲۶۳۹).

۲- صحیح بخاری (۵۰) و صحیح مسلم (۱۰).

و از آنجای که وقت وقوع آن بسیار نزدیک شده قرآن کریم چنان برای ما به تصویر می‌کشد که گویا اکنون آمده و حاضر شده است:

﴿أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾ [النحل: ۱].

«فرمان خدا فرا رسیده است، پس برای آن شتاب نکنید».

شاید کسی بپرسد:

چگونه قیامت نزدیک است در حالی که از خبر آمدنش، بیش از ۱۴۰۰ سال می‌گذرد؟! باید در جواب آنها عرض کرد:

در علم خدا و تقدیر الهی بسیار نزدیک است، اگر چه بشر با میزان و مقیاس خودش آنرا دور می‌پندارد.

﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ۖ وَنَرَاهُ قَرِيبًا﴾ [المعارج: ۷-۶].

«بی‌گمان آنها آن (روز) را دور می‌بینند. و ما آن را نزدیک می‌بینیم»

و می‌فرماید:

﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً ۖ فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾ [محمد: ۱۸].

«پس آیا آنها (= کافران) جز این انتظار دارند که قیامت ناگهان فرارسد؟ به راستی نشانه‌هایش آمده است».

خداوند تبارک و تعالی بخاطر لطف و مرحمتش به بندگان خود، برای قرب قیامت، و همچنین برای وقت بوقوع پیوستن آن نشانه‌ها و علاماتی قرار داده تا اینکه افراد غافل بخود آیند و بسوی پروردگارشان رجوع و توبه کنند، و افراد متقی و پرهیزگار به اطاعت و عبادت خویش بیافزایند.

اولین علامت و نشانه‌های قرب و نزدیک بودن قیامت، بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می‌باشد.

که فرموده است:

«من و قیامت چنین مبعوث و برانگیخته شده‌ایم».

و با انگشت شهادت و میانه اشاره فرمودند^(۱).

نام‌های روز قیامت:

چنانچه ذکر نمودیم قرآن کریم به روز آخرت اهتمام ویژه‌ای داده است، بدین خاطر می‌بینیم که نام‌های بسیار برای آن روز رستاخیز ذکر کرده است. امام ابن کثیر در کتاب النهاية (الفتن والملاحم) بیش از ۸۰ نام از اسامی روز قیامت شمرده است، ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱- الساعة:

خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا﴾ [غافر: ۵۹].

«یقیناً قیامت آمدنی است، شکی در آن نیست».

۲- روز رستاخیز (يوم البعث):

خداوند می‌فرماید:

﴿لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ﴾ [الروم: ۵۶].

«به راستی شما به فرمان کتاب خدا (لوح محفوظ) تا روز رستاخیز درنگ کردید، پس این روز رستاخیز است».

۳- روز جزاء (يوم الدين):

در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ [الفاتحة: ۴].

۴- روز حسرت و پشیمانی (يوم الحسرة):

در قرآن مجید آمده است:

﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ﴾ [مریم: ۳۹].

«و (ای پیامبر!) آنها را از روز حسرت بترسان».

۱- امام بخاری (۶۵۰۲) و مسلم (۲۹۵۱) روایت کرده است.

۵- سرای آخرت (الدار الاخرة):

خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ [العنكبوت: ۶۴].

«و بی تردید اگر می‌دانستند سرای آخرت همان زندگی (واقعی) استم.»

۶- سرای جاویدان (دارالقرار):

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾ [غافر: ۳۹].

۷- روز ندا کردن یکدیگر (یوم التناد):

در قرآن کریم آمده است:

﴿إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ﴾ [غافر: ۳۲].

«و ای قوم من! بی گمان من بر شما از روزی که (مردم) یکدیگر را صدا می‌زنند، (روز قیامت)

می‌ترسم.»

۸- روز جدائی، روز داوری (یوم الفصل):

خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ﴾ [الصافات: ۲۱].

«(آری) این (همان) روز داوری است، که شما آن را تکذیب می‌کردید.»

۹- روز جمع شدن (یوم الجمع):

می‌فرماید:

﴿وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ [الشوری: ۷].

«و از روز جمع شدن (=روز قیامت) که در آن شک و تردیدی نیست، بترسانی.»

۱۰- روز حساب (یوم الحساب):

خداوند می‌فرماید:

﴿هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ﴾ [ص: ۵۳].

«این است چیزهایی که برای روز حساب به شما وعده داده می‌شود».

۱۱- روز وعید (یوم الوعيد):

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ﴾ [ق: ۲۰].

«و در «صور» دمیده شود، آن روز، (روز تحقق) وعده (عذاب) است».

۱۲- روز جاویدانی و ماندنی (یوم الخلود):

و می‌فرماید:

﴿أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ﴾ [ق: ۳۴].

«به آنها گفته می‌شود:» «به سلامت وارد آن (بهشت) شوید، (که) این روز جاودانگی است».

۱۳- روز بیرون شدن (یوم الخروج):

خداوند می‌فرماید:

﴿يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾ [ق: ۴۲].

«روزی که همگان صیحه (= بانگ سهمناک رستاخیز) را بحق می‌شنوند، آن

روز خروج (از گورها) است».

۱۴- (الواقعة):

خداوند می‌فرماید:

﴿إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾ [الواقعة: ۱].

«هنگامی که واقعه ی قیامت واقع شود».

۱۵- (الحاقة):

خداوند می‌فرماید:

﴿الْحَاقَّةُ ﴿١﴾ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٢﴾ وَمَا أُدْرِكُ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٣﴾﴾ [الحاقة: ۱-۳].

«(روز) واقع شدنی (رستاخیز)، آن واقع شدنی چیست؟ و تو چه دانی آن واقع شدنی چیست (و چگونه است)؟!».

۱۶- بلای بسیار بزرگ (الطامة الكبرى):

خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَىٰ ﴿٣٤﴾﴾ [النازعات: ۳۴].

«پس هنگامی که (آن) حادثه بزرگ (قیامت) فرا رسد».

۱۷- فریاد و صدای کرکننده (الصاخة):

خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِذَا جَاءَتِ الصَّخَّةُ ﴿٣٣﴾﴾ [عبس: ۳۳].

«پس هنگامی که (آن) صدای مهیب (قیامت) فرا رسد».

۱۸- نزدیک (الآزفة):

خداوند می‌فرماید:

﴿أَزْفَتِ الْأَزْفَةُ ﴿٥٧﴾﴾ [النجم: ۵۷].

«قیامت نزدیک شده است».

۱۹- کوبنده (القارعة):

خداوند کریم می‌فرماید:

﴿الْقَارِعَةُ ﴿١﴾ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٢﴾ وَمَا أُدْرِكُ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٣﴾﴾ [القارعة: ۱-۳]^(۱).

«فرو کوبنده. چیست (آن) فرو کوبنده؟ و تو چه دانی که (آن) فرو کوبنده چیست؟».

۱- به کتاب (الفتن) تألیف امام ابن کثیر رجوع شود.

وقت وقوع حادثه قیامت بجز الله کسی نمی‌داند

قرآن کریم در آیات بسیاری این مسئله را روشن نموده است، که دانستن وقت حادثه قیامت مخصوص خداوند تبارک و تعالی است، و کسی بر آن آگاهی ندارد، نه پیامبران الهی و نه فرشتگان مقرب می‌دانند.

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجِيبُنَا لَوْ قَبِهَا إِلَّا هُوَ ۚ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً ۗ يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَافِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٧﴾﴾ [الأعراف: ۱۸۷].

«ای پیامبر! درباره قیامت از تو سؤال می‌کنند، کی واقع می‌شود؟ بگو: «مسلماً علم آن فقط نزد پروردگار من است، و جز او کسی وقتش را (نمی‌داند و) آشکار نسازد، (دانستن آن) در آسمانها و زمین سنگین (و پوشیده) است، و جز بطور ناگهانی، به سوی شما نمی‌آید.» (چنان) از تو سؤال می‌کنند که گویی تو از وقوع آن خبر داری، بگو: «علم آن، فقط نزد خداست، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.»

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿٦٣﴾﴾ [الأحزاب: ۶۳].

«ای پیامبر! مردم تو را از (زمان قیامت) قیامت می‌پرسند، بگو: «علم آن تنها نزد الله است» و تو چه می‌دانی شاید که قیامت نزدیک باشد.»

و می‌فرماید:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا ﴿٤٢﴾ فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا ﴿٤٣﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَىٰ

﴿٤٤﴾﴾ [النازعات: ۴۲-۴۴].

«ای پیامبر) درباره قیامت از تو می پرسند، که در چه زمانی واقع می شود؟ تو را با یا آوری این سخن چه کار است؟ (سر انجام و) منتهای (علم) آن نزد پروردگارتواست».

این آیاتی که ذکر نمودیم همگی بطور واضح دلالت می کند که وقت حادثه قیامت بجز خداوند بزرگ کسی دیگر نمی داند، و قیامت ناگهانی برپا می شود، و علم برپا شدن قیامت از علوم (مفاتیح پنجگانه) غیبی است که فقط خداوند می داند:

﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [لقمان: ۳۴].

«بی گمان علم (زمان) قیامت نزد خداست، و (او) باران را نازل می کند، و آنچه را که در رحمهاست می داند، و هیچ کس نمی داند فردا چه چیز به دست می آورد، و هیچ کس نمی داند که در کدام سرزمین می میرد، یقیناً خداوند دانای آگاه است».

در حدیث صحیح پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «مفاتیح غیب پنج تا می باشد که بجز خداوند کسی نمی داند؛ سپس این آیه را تلاوت فرمودند:

﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [لقمان: ۳۴].^(۱)

و هنگامی که جبریل عليه السلام بشکل و چهره فردی اعرابی نزد پیامبر ﷺ آمدند و از ایشان پرسیدند:

قیامت کی است؟

حضرت ﷺ در جواب ایشان فرمودند:

۱- صحیح امام بخاری (۴۳۵۱).

«سؤال شونده از سؤال کننده داناتر نیست (دانش ما و شما در این زمینه یکسان است)».

پس دانستیم که حتی پیامبر آخر الزمان سید بشر محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و جبریل عَلَيْهِ السَّلَام، بزرگترین فرشته الهی، نمی‌دانند که قیامت چه وقتی بر پا می‌شود.

نشانه‌های قیامت

چنانچه که ذکر کردیم خداوند تبارک و تعالی وقت وقوع حادثه قیامت را بر بندگانش پوشیده نگه داشته است ولی از راه لطف و کرمش نشانه‌ها و علاماتی برای نزدیک شدنش قرار داده است که پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ برای امت بیان نموده است.

﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً ط فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾ [محمد: ۱۸].

«پس آیا آنها (= کافران) جز این انتظار دارند که قیامت ناگهان فرارسد؟ به راستی نشانه‌هایش آمده است.»

نشانه‌های قیامت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- نشانه‌های صغری (کوچک)

۲- نشانه‌های کبری (بزرگ).

نشانه‌های صغری (کوچک) قیامت

نشانه‌های صغری قیامت بسیار است و علمای بزرگوار نشانه‌های صغری را از لحاظ ظهور و آشکار شدنش به سه دسته تقسیم نموده اند.

۱- آنچه آمده و تمام شده است.

۲- آنچه که برخی از آن آمده و پیوسته در حال آشکار شدن است و روز بروز بیشتر می‌شود.

۳- آنچه که هنوز نیامده است.

ما در این کتاب مختصر سعی می‌کنیم که آنچه که در احادیث ثابت و صحیح پیامبر ﷺ، از نشانه‌های قیامت شمرده شده با ذکر دلیل بیان نماییم، شایان یاد آوری است آنچه که از علامات و نشانه‌های قیامت شمرده می‌شود، همگی ممنوع یا ناپسند یا حرام نیست، بلکه گاهی علامت خیر و گاهی علامت شر می‌باشد، زیرا برخی‌ها چنین می‌اندیشند که آنچه از علامت قیامت شمرده شده حرام و یا شر است.

اکنون به ذکر نشانه‌های صغری (کوچک) قیامت می‌پردازیم:

۱- بعثت پیامبر اسلام ﷺ

رسول اکرم ﷺ بیان فرموده اند که، بعثت ایشان دلالت دارد بر نزدیک شدن حادثه قیامت در حدیث آمده است:

سهل بن سعد رضی الله عنه می‌گوید:

پیامبر ﷺ فرمود:

«من و قیامت مانند این دو همراه مبعوث شده ایم»

و حضرت رضی الله عنه با دو انگشتان دستشان اشاره می‌فرمودند^(۱).

وانس بن مالک رضی الله عنه می‌گوید:

رسول خدا رضی الله عنه فرمودند:

«من و قیامت مانند این دو مبعوث شده ایم».

۱- امام بخاری (۶۱۳۸) و امام مسلم (۲۹۵۰) روایت کرده اند.

انس می گوید:

رسول خدا انگشت شهادت را به انگشت وسطی چسپاند^(۱).

و امام احمد بن حنبل با اسناد صحیح از ابو جبیره رضی الله عنه روایت می کند که می گوید:

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«من در آغاز نسیم قیامت مبعوث شدم»^(۲).

بنابراین اولین نشانه قرب قیامت بعثت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است که بعد از ایشان پیامبری نخواهد آمد، و بعد از آن قیامت است چنانکه در کنار انگشت شهادت وسطی قرار دارد، و در میان آنها انگشت دیگری نیست.

امام حسن بصری می فرماید:

اولین نشانه‌های قیامت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

امام قرطبی می فرماید:

«اولین نشانه قیامت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، زیرا که پیامبر آخر زمان است، و

بدرستیکه در حالی مبعوث شده که میان ایشان و قیامت پیامبر دیگری نیست»^(۳).

۲- وفات جان گداز رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

از نشانه‌های قرب قیامت وفات پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم می باشد در حدیث صحیح آمده است

عوف بن مالک می گوید:

در غزوه تبوک نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حاضر شدم در حالی که ایشان در خیمه چرمی

تشریف داشتند، فرمودند:

«قبل از آمدن قیامت شش چیز (و نشانی) بشمارید: وفات من.....» الحدیث^(۱).

۱- امام بخاری (۶۱۳۹) و امام مسلم (۲۹۵۱) روایت کرده است.

۲- دولابی در «الکنی» (۲۳/۱) به سلسله احادیث صحیحه (۸۰۸) رجوع شود.

۳- کتاب التذکره فی أحوال الموتی وأمور الآخرة (ص ۵۲۲).

در روایت دیگر چنین آمده است، عوف بن مالک اشجعی می‌گوید:
 خدمت حضرت ﷺ حاضر شدم، آنگاه سلام عرض کردم، پیامبر ﷺ فرمود:
 «عوف؟» عرض کردم:

بله، فرمودند:

«وارد شو» عوف می‌گوید:

«گفتم با تمام بدانم یا جزیی از آن؟^(۲) حضرت ﷺ فرمودن
 «بلکه با تمامت وارد شو».

سپس فرمود:

«ای عوف! شش چیز قبل از آمدن قیامت حساب بکن و بشمار، اولین آنها: وفات

من ...».

عوف می‌گوید:

من گریه کردم تا اینکه حضرت رسول ﷺ مرا ساکت نمودند، (سپس بقیه حدیث را
 ذکر نمودند)^(۳).

بله عزیزان، شکی نیست که وفات سید جهانیان حضرت محمد مصطفی ﷺ بزرگترین
 مصیبتی است که بر امت اسلامی واقع شده است.
 و با وفات پیامبر اسلام ﷺ وحی منقطع گردید.
 و براستی هنگامی که حضرت ﷺ به لقای پروردگارش رفتند دنیا در چشم یارانش تیره
 و تار گردید.

۱- صحیح بخاری (۵۰) و صحیح مسلم (۱۰).

۲- عوف ﷺ این سخن را شاید بخاطر تنگی مکان پرسیده باشد، زیرا که پیامبر ﷺ در خیمه کوچکی
 بودند.

۳- حدیث صحیح است امام احمد (۲۵/۶) روایت کرده است.

چنانچه که صحابی جلیل انس بن مالک رضی الله عنه می‌فرماید: هنگامی که حضرت صلی الله علیه و آله به مدینه تشریف آوردند هر چیز در مدینه روشن و درخشان گردید، و آنگاه که حضرت صلی الله علیه و آله وفات کردند، هر چیز در مدینه تیره و تاریک شد^(۱).

۳- فتح بیت المقدس:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت فتح سرزمین بیت المقدس (فلسطین) می‌باشد. در دنباله حدیث عوف بن مالک چنین آمده: «...فتح بیت المقدس...»^(۲). در زمان خلافت امیر المومنین عمر بن الخطاب سال ۱۶ هجری برابر ۶۳۸ میلادی بیت المقدس فتح شد، هنگامی که نصاری ساکنین شهر قدس از فرمانده لشکر مسلمانان حضرت ابوعبیده بن الجراح خواستند که با آنها پیمان صلح و امان امضاء کند، و جزیه پردازند، ولی آنان تنها شرط شان این بود، که باید خلیفه مسلمانان خودش جهت امضای قرار داد، و تحویل گرفتن کلید بیت المقدس تشریف بیاورد، زیرا که وصف ایشان در تورات دیده بودند.

بدین خاطر حضرت عمر رضی الله عنه تشریف آوردند و با آنها قرارداد صلح امضاء نمودند، و سر زمین مقدس را از لوٹ یهود و نصاری پاک گردانیدند و در آنجا مسجد بنا نمودند^(۳). سپس بعدها سر زمین قدس بارها از طرف صلیبی‌ها مورد حمله قرار گرفت و در سال ۴۹۲ هجری برابر با ۱۰۹۸ میلادی صلیبی‌ها بیت المقدس را اشغال نمودند. آنگاه در ماه رجب سال ۵۸۳ هجری برابر با ۱۱۸۷ میلادی قهرمان اسلام صلاح الدین ایوبی مجدداً قدس را از چنگال صلیبی‌ها بیرون آورد و آن را پاک گردانید.

۱- امام ترمذی در باب المناقب (۳۶۱۸) روایت کرده است.

۲- امام بخاری روایت کرده است.

۳- رجوع شود به: تاریخ طبری (ج ۳/ فتح بیت المقدس) و معجم البلدان (۱/ ۱۷۰) و البدایه و النهایه (۵۵/۷).

ولی دوباره صلیبی‌ها در سال ۶۲۶ هجری سرزمین قدس را بتصرف خود در آوردند، آنگاه در سال ۶۳۷ هجری برابر با ۱۲۳۹ میلادی ملک ناصر ایوبی از آنان باز پس گرفت، سپس در سال ۶۴۱ هجری صلیبی‌ها مجدداً قدس را تصرف کردند آنگاه پس از یک سال پادشاه پارسا ایوب از تصرف آنها بیرون آورد.

ولی افسوس صهیونیستها و صلیبی‌ها بعد از جنگ‌های پی در پی و همچنین پس از کنفرانسهای متعدد و توطئه‌های بسیار، توانستند در سال ۱۹۶۷ میلادی آن را به اشغال خود در بیاورند، و از آن تاریخ به بعد در گیریه‌های و کشمکش‌ها ادامه دارد، و انشاء الله در نهایت فتح از آن مسلمانان خواهد بود، و در قرب قیامت بر حسب فرمایش پیامبر ﷺ جنگ بزرگی رخ می‌دهد، و مسلمانان به رهبری حضرت مهدی با یهود و نصاری جهاد می‌کنند، و آنگاه سر زمین بیت المقدس به دست مبارک حضرت مهدی فتح خواهد شد.

به امید آن روز.

۴- طاعون عمواس:

در سال ۱۸ هجری در روستای عمواس^(۱) این مرض طاعون شروع شد، سپس در سر زمین شام منتشر گردید و تعداد زیادی از یاران رسول الله ﷺ وفات کردند تعداد وفیات ۲۵ هزار نفر از مسلمانان گفته شده است، و از جمله کسانی که در این حادثه جان دادند حضرت ابو عبیده بن الجراح امین این امت بود.

در دنباله حدیث عوف آمده:

«.. پس مرگ و میر بسیاری در میان شما رخ خواهد داد و این مرگ چنان ناگهانی است مانند بیماری که به گوسفندان اصابت می‌کند و از بینی آنان عفونت و چرک بیرون می‌آید سپس می‌میرند...»^(۲).

۱- عمواس دهکده‌ای در سرزمین فلسطین است که تا رمله شش مایل فاصله دارد. معجم البلدان (۱۰۵۷/۴).

۲- صحیح بخاری (۳۱۷۶).

امام ابن حجر رحمته الله در فتح الباری شرح صحیح بخاری می‌نویسد: این علامت و نشانی در زمان خلافت عمر رضی الله عنه و بعد از فتح بیت المقدس، وبای طاعون عمواس آشکار شد^(۱).

۵- زیاد شدن مال و دارائی و بی‌نیاز شدن از صدقه

حضرت ابو موسی رضی الله عنه از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که فرمودند: «بدون شک بر مردم زمانی خواهد آمد که شخص ثروتمند، با خودش طلا برای صدقه دارد کسی را نمی‌یابد که از وی بپذیرد»^(۲).

ابو هریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«قیامت بر پا نمی‌شود مگر تا زمانی که مال و دارائی در میان شما بسیار شود (و خزانه‌ها لبریز گردد) تا جای که شخص پول‌دار صاحب مال نگران است، که چه کسی صدقه را از وی می‌پذیرد، شخصی را برای گرفتن صدقه فرا خوانده می‌شود آنگاه او می‌گوید: من به آن حاجت و نیازی ندارم»^(۳).

رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم در احادیث بسیار در باره اینکه مال و اموال زیاد می‌شود فرموده است، و همچنین فرموده که خداوند گنجینه‌های زمین به این امت عطا می‌فرماید.

«دو گنجینه سرخ (طلا) و سفید (نقره) بمن عطا شد»^(۴).

در حدیث دیگر می‌فرماید: «همانا کلید گنجینه‌های زمین به من داده شد»^(۵).

عدی بن حاتم رضی الله عنه می‌گوید:

۱- فتح الباری (۲۷۸/۶).

۲- صحیح بخاری (۱۳۴۸) و صحیح امام مسلم کتاب زکات شماره (۱۰۱۲).

۳- صحیح امام بخاری (۱۳۳۶) و صحیح امام مسلم کتاب زکات (۱۵۷).

۴- صحیح امام مسلم کتاب فتن (۲۸۸۹).

۵- صحیح بخاری (۶۵۹۰) و صحیح مسلم کتاب فضائل (۲۲۹۶).

من در خدمت پیامبر ﷺ حاضر بودم، ناگاه فردی آمد از فقر و تنگدستی به حضرت شکایت کرد، سپس فرد دیگری آمد و از راهزنی شکایت کرد، آنگاه حضرت ﷺ فرمودند:

«ای عدی! آیا تو سرزمین حیره را دیده ای؟»

عرض کردم:

ندیده‌ام، ولی در باره آن شنیده‌ام.

فرمودند:

«اگر عمرت طولانی شود، خواهی دید که یک زن به تنهایی از حیره بلند می‌شود، و به مکه می‌رود، و طواف خانه خدا را بجای می‌آورد، و از کسی بجز خدا نمی‌ترسد.»

عدی می‌گوید:

من با خودم گفتم: پس در آن هنگام دزدان و راهزنان قبیله طی کجا هستند؟

«و اگر زنده بودی، یقیناً گنجینه‌های کسرا را فتح خواهید کرد.»

عرض کردم: کسرا پسر هرمز؟

فرمودند: «کسرا پسر هرمز، و اگر زنده بودی مردمانی را خواهید دید که به پری کف دستشان طلا یا نقره در دست دارند و دنبال کسی هستند که از آنان بپذیرد، پس کسی را نمی‌یابند...»

عدی می‌فرماید:

بدرستی که من با چشمان خودم دیدم، که زن از حیره تا مکه سفر می‌کرد، و طواف خانه خدا را بجا می‌آورد، و از کسی جز خدا نمی‌ترسید، و خودم از زمره کسانی بودم که گنجینه‌های کسرا پسر هرمز را فتح کردیم، و شما اگر عمر کردید آنچه که ابو القاسم پیامبر ﷺ فرمودند خواهید دید^(۱).

۱- صحیح بخاری کتاب مناقب (۳۴۰۰).

شکی نیست که بسیاری از این پیش‌گوئی‌های رسول اکرم ﷺ به تحقق رسیده است، و در زمان صحابه کرام رضی الله عنهم به سبب فتوحات بسیار مال و اموال بسیار گردید، و اموال و دارائی فارس و روم را تقسیم نمودند، همچنین در زمان خلافت عمر بن عبد العزیز رضی الله عنه آنقدر مال و دارائی زیاد شده بود^(۱)، فردی که می‌خواست صدقه‌ای بدهد شخصی را نمی‌یافت که از وی بپذیرد.

و همچنان مال بیشتر و بیشتر خواهد شد، و بخصوص در هنگام ظهور حضرت مهدی و آمدن حضرت عیسی علیه السلام، زیرا که در آن هنگام زمین آنچه از گنجینه و دفینه در درون خود دارد، بیرون می‌ریزد.

۶- فتنه و آشوب

انسان مسلمان همیشه در معرض بلا و آزمایش است تا اینکه خالص از ناخالص مشخص گردد.

این بلاها گاهی در مال و گاهی در اهل و عیال خواهد بود.

چه بسا اوقات امت اسلامی دچار فتنه و آزمایش می‌گردد، در میان شان تفرقه، اختلاف، خون‌ریزی، و قتل و کشتار، هتک حرمت و سلب اموال، صورت می‌گیرد. و هر چند از عمر این امت کاسته شود، و به قیامت بیشتر نزدیک شود، انواع فتنه و آشوب و آزمایشها بیشتر و بیشتر می‌گردد.

خداوند تبارک و تعالی پیامبر گرامیش را بر بسیاری از بلاها و فتنه‌های که امتش با آنها دچار خواهند شد، آگاه ساخته و رسول اکرم ﷺ نیز امتش را بر حذر داشته است، و راه خروج از آن فتنه‌های تاریک بیان نموده است.

رسول خدا ﷺ در احادیث بسیاری بیان فرموده اند که: یکی از نشانه‌های قیامت آشکار شدن فتنه‌های عظیم می‌باشد، چنان فتنه‌ای که حق با باطل آمیخته می‌گردد، و ایمان افراد

۱- به فتح الباری (۸۹/۱۳) رجوع شود.

متزلزل و سست می‌شود، بطوری که یک فرد صبح میکند در حالی که مؤمن بوده، و هنگام شب کافر می‌گردد، و شب مؤمن است و صبح کافر می‌شود.

در حدیث ابو موسی اشعری رضی الله عنه آمده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«همانا قبل از وقوع قیامت فتنه‌های مانند شب تاریک خواهد آمد، که فرد در حال ایمان صبح می‌نماید و شب کافر می‌گردد، و شب مؤمن است و صبح کافر می‌شود، فرد نشسته در این فتنه بهتر است از ایستاده، و ایستاده، بهتر است از کسی که راه می‌رود، و کسی که راه می‌رود بهتر است از آن کس در آن فتنه سعی و تلاش می‌کند پس کمانهای خود را تکه تکه کنید و نیزه‌های خود را و شمشیر هایتان را به سنگ بزنید، و آنگاه اگر فتنه بر شما وارد شد و به آن مبتلا شدید، پس بهترین فرزند حضرت آدم باشید»^(۱).

و در حدیث دیگر چنین آمده:

«به انجام دادن اعمال نیک مبادرت ورزید، چون، فتنه‌های مانند تکه شب تاریک خواهد آمد که شخص صبح ایمان دارد، و شب کافر می‌گردد، و شب مؤمن است و صبح کافر می‌شود، شخص دین خود را به متاع بی‌ارزش دنیا می‌فروشد»^(۲).

درباره فتنه‌های آخر الزمان احادیث و روایت بسیاری آمده است، و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله امتش را از فتنه‌ها بر حذر داشته، و دستور داده است که انسان از شر این فتنه‌ها، همیشه به خداوند پناه ببرد. و تنها راه نجات از فتنه‌ها ایمان به خدای واحد و ایمان بروز آخرت است، و همچنین متمسک بودن به جماعت مسلمانان و متفرق نشدن می‌باشد.

۱- حدیث صحیح است امام احمد (۴/۴۰۸) و ابو داود (۴۲۵۹ و ۴۲۶۲) و ابن ماجه (۳۹۶۱) روایت کرده است.

۲- امام مسلم در کتاب الایمان (۱۱۸) روایت کرده است.

ما در اینجا به برخی از فتنه و آشوبهای که پیامبر ﷺ پیش گوئی کرده‌اند، اشاره می‌کنیم:

(۱) شهادت خلیفه مسلمین حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه:

بعد از شهادت سیدنا عمر فاروق رضی الله عنه که قلعه و دروازه محکمی در مقابل فتنه بودند، فتنه‌ها یکی بعد از دیگری آشکار و هویدا شد، و منافقین توانستند که بیشتر رشد کنند و خود را در صفوف مسلمانان جای دهند.

پس اولین فتنه، کشته شدن حضرت عثمان توسط داعیان شر بود، آن کسانی که از عراق و مصر آمده بودند و به شهر مدینه یورش بردند و خلیفه مسلمین را شهید کردند. و با شهادت حضرت عثمان، در صف مسلمانان شکاف ایجاد شد، و در میان صحابه پیامبر جنگ و خونریزی در گرفت.

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر تپه‌ای از تپه‌های مدینه بالا رفتند، فرمودند: «آیا آنچه من می‌بینم شما می‌بینید؟».

عرض کردند: خیر، فرمودند:

«همانا من فتنه‌های را می‌بینم که مانند دانه‌های باران در خانه‌ها و منازل شما فرو می‌ریزد»^(۱).

امام نووی رحمته الله در شرح این حدیث چنین

می‌نویسد:

تشبیه فتنه به دانه‌های باران، در کثرت و عمومیت آن است، یعنی بسیار است و همه مردم را در بر می‌گیرد، و مخصوص گروه و طائفه خاصی نیست، و این حدیث اشاره دارد. به جنگهای که بین صحابه صورت گرفت، مثل جنگ جمل، صفین و واقعه حره و شهادت عثمان و حضرت حسین علیه السلام...^(۱).

۱- امام بخاری (۱۸۷۸) و امام مسلم (۲۸۸۵) روایت کرده است.

(۲) جنگ جمل:

از حادثه‌های ناگواری که بین صحابه رسول الله ﷺ رخ داد حادثه جنگ جمل بود که بعد از شهادت حضرت عثمان رضی الله عنه؛ بین امیر المؤمنین علی رضی الله عنه از یک طرف و بین حضرت عایشه و طلحه و زبیر، صورت گرفت.

و حضرت عایشه و یارانش برای ایجاد صلح بین مسلمانان بیرون شدند ولی بدون اختیار طرفین جنگ صورت گرفت و رسول اکرم ﷺ پیشنهادی فرموده بودند، و به حضرت علی دستور داده بودند که هنگام جنگ و درگیری حضرت عایشه را به جایگایش باز گرداند.^(۲)

(۳) جنگ صفین:

یکی دیگر از جنگ‌های که بین صحابه واقع گردید، جنگ صفین است، که بین حضرت علی و معاویه در گرفت.

رسول اکرم ﷺ فرموده بودند:

«قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه دو گروه و طایفه بزرگ از مسلمانان با همدیگر بشدت بچنگند...»^(۳)

امام ابن حجر در فتح الباری می‌نویسد: این دو طایفه همانا علی و یارانش و معاویه و یارانش هستند.^(۴)

(۴) فتنه خوارج:

۱- شرح صحیح مسلم (۸/۱۸).

۲- مسند أحمد (۳۹۳/۶).

۳- امام بخاری (۶۷۰۴) و امام مسلم (۱۵۷) روایت کرده است.

۴- فتح الباری (۸۵/۱۳).

رسول اکرم ﷺ در احادیث بسیاری از آمدن گروهی خبر داده اند مدعیان علم هستند و بسیار عبادت می کنند نماز، روزه، تلاوت قرآن را بسیار می کنند، ولی در حقیقت از احکام و فهم قرآن چیزی نصیبتان نیست «یقرءون القرآن لا یجاوز تراقیهم».

«قرآن را می خوانند ولی از ترقوه آنها پایین نمی رود».

این گروه در زمان امیر المومنین علی رضی الله عنه پس از جنگ صفین و موافقت اهل عراق و شام به حکمین، و هنگام بازگشت علی به کوفه آشکار شدند، و قبلاً در لشکر امیر المومنین علی بودند. و از لشکر جدا شده و در منطقه ای بنام حروراء اقامت نمودند، تعدادشان تقریباً هشت هزار نفر بود و گفته شده ۱۶ هزار نفر بود.

حضرت امیر المومنین، عبد الله بن عباس رضی الله عنهما را برای مناظره با آنها فرستاد، تعداد زیادی از آنان توبه کردند و برگشتند....

و سر انجام در منطقه بنام نهروان امیر المومنین علی بن ابی طالب با آنان جنگید و آنها را تار و مار کرد بجز تعداد کمی که از کشته شدن نجات یافتند^(۱).

همچنان که گفتیم پیامبر ﷺ درباره آمدن و ظهور فرقه خوارج پیشین گوئی فرموده اند و دستور جنگ با آنان نیز داده اند، نا گفته نماند که این گروه و طائفه تمام شدنی نیستند بلکه در طول تاریخ خواهد بود تا اینکه در آخر الزمان به دجال می پیوندند.

۷- ظاهر شدن آتشی از سرزمین حجاز:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت آتشی است که از سرزمین حجاز ظاهر می شود.

حضرت ابو هریره رضی الله عنه از رسول خدا ﷺ روایت می کند که فرمودند:

«قیامت بر پا نمی شود تا وقتی که آتشی از سرزمین حجاز ظاهر شود، و از روشنی

آن، گردن شتران در شهر بصری (شام) دیده شود»^(۲).

۱- و رجوع شود به کتاب البدایه و النهایه (۲۸۸/۷).

۲- امام بخاری (۶۷۰۱) و امام مسلم (۲۹۰۲) روایت کرده است.

امام قرطبی می‌فرماید:

این آتش در سرزمین حجاز در شهر مدینه، در شب چهارشنبه جمادی آخر سال ۶۵۴ هجری، ظاهر شد، و آتشی بس عظیم بود^(۱).

امام نووی می‌گوید:

خبر ظاهر شدن این آتش از شهر مدینه، نزد تمام اهل شام و بقیه سرزمینها متواتر است، و کسانی از اهل مدینه که آن را مشاهده کرده اند مرا خبر داده اند^(۲).

ناگفته نماند که این آتش غیر از آن آتشی است که هنگام حادثه قیامت ظاهر می‌گردد، و مردم را بسوی سرزمین حشر سوق می‌دهد.

۸ - آمدن مدعیان نبوت:

یکی از نشانه‌های قیامت آمدن مدعیان دروغین نبوت است، که برخی از آنها در زمان رسول اکرم ﷺ ادعای پیامبری نمودند، و برخی در زمان صحابه کرام ادعای پیامبری کردند، و پیوسته در طول تاریخ افرادی گمراه، آمده اند و نیز خواهند آمد که چنین ادعا کنند.

رسول الله ﷺ فرمودند:

«قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه عده‌ای قریب به ۳۰ نفر دجال صفت و دروغگو

ادعای پیامبری کنند»^(۳).

و از ثوبان رضی الله عنه روایت است که می‌گوید:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«قیامت برپا نمی‌شود، تا اینکه قبائلی از امتم به مشرکین بپیوندند، و تا اینکه بتها

پرستیده شود، و همانا در امتم ۳۰ نفر دروغگو خواهد آمد، که همگی چنین

۱- التذکره (ص ۵۳۱).

۲- شرح صحیح مسلم (۲۸/۱۸).

۳- امام بخاری (۳۴۱۳) و امام مسلم (۱۵۷) روایت کرده‌اند.

می‌پندارند که پیامبر هستند، در حالیکه من خاتم پیامبرانم و بعد از من پیامبری نیست»^(۱).

از جمله کسانی که در عصر نبوت ادعای پیامبری کردند: مسیلمه کذاب، اسود عنسی، و سجاح، و طلیحه اسدی، را می‌توان نام برد. و از مدعیان نبوت در عصر حاضر می‌توان غلام میرزا قادیانی و حسین بن علی میرزا بهائی را نام برد.

۹- از بین رفتن امانت:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت از بین رفتن امانت می‌باشد، امانت از دلها برداشته می‌شود، و شخص بعد از این که امین بوده خائن می‌گردد، و همچنین سپرده شدن امور مسلمان بدست کسانی که لیاقت و شایستگی آن را نداشته باشند از نشانه‌های از بین رفتن امانت می‌باشد.

ابو هریره رضی الله عنه می‌گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هنگامی که امانت از بین رفت، آنگاه منتظر قیامت باش».

عرض شد:

یا رسول الله! از بین رفتن امانت چگونه است؟

فرمودند:

«هر گاه امور (امت) به غیر اهلش سپرده شود، پس منتظر قیامت باش»^(۲).

همچنین در قرب قیامت بر طبق فرمایشات رسول اکرم صلی الله علیه و آله موازین منقلب و دگرگون می‌گردد.

۱- حدیث صحیح است، امام ابو داود (۴۲۵۲) و امام ترمذی (۲۱۷۶) روایت کرده است.

۲- امام بخاری (۶۱۳۱) روایت کرده است.

بطوری که فرد راستگو را تکذیب میکنند، و فرد دروغگو را تصدیق می‌کنند، و شخص امین را خائن، و شخص خائن را امین می‌دانند.

۱۰- از بین رفتن علم و زیاد شدن جهل و نادانی:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت اینست، که علم شرعی و دینی کم گردد، با وفات علماء و دانشمندان اسلامی رفته رفته از بین برود، و بعد از آن جهل و نادانی زیاد گردد.

أنس بن مالک می‌گوید:

رسول الله ﷺ فرمودند:

«از نشانه‌های قیامت اینست که علم برداشته شود، و جهل و نادانی پا برجا و باقی

بماند»^(۱).

و در حدیث دیگر آمده است: «زمان به همدیگر نزدیک می‌گردد، علم گرفته می‌شود، و فتنه و آشوب آشکار می‌گردد»^(۲).

و همچنان که ذکر کردیم، گرفته شدن علم با از بین رفتن و وفات علماء، صورت می‌گیرد.

در حدیث آمده است:

«همانا خداوند علم را از (سینه) بندگان نمی‌کشد لیکن علم را با گرفتن (و وفات) علماء، می‌گیرد، تا اینکه عالمی باقی نماند، آنگاه مردم افراد نادان را بعنوان رئیس و بزرگتر بر می‌گزینند، سپس پرسیده می‌شود، آنگاه آنان بدون علم و آگاهی فتوی می‌دهند، در نتیجه گمراه شده و دیگران را نیز گمراه می‌کنند»^(۳).

ناگفته نماند که هدف از علم در این احادیث، علم قرآن و سنت است، و آن علمی است که از پیامبران میراث برده اند، زیرا که علماء میراث بران پیامبران الهی هستند، و با

۱- امام بخاری (۸۱) و امام مسلم (۲۶۷۱) روایت کرده اند.

۲- امام بخاری (۹۸۹) روایت کرده است.

۳- امام بخاری (۱۰۰) و امام مسلم (۲۶۷۳) روایت کرده اند.

رفتن آنان علم نیز می‌رود، و سنتها می‌میرند و بدعت آشکار می‌کرد و جهل و نادانی زیاد می‌شود، اما علم دنیا رو به ازدیاد است.

۱۱- زیاد شدن ربا خواری:

نشانه دیگری که امروزه بسیار بچشم می‌خورد، و سود ربا خواری است. طبق فرمایش پیامبر ﷺ، آنقدر میان مردم ربا خواری و سود زیاد و عام می‌شود که هیچ پروا نمی‌کنند.

ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند، که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «بر مردم زمانی خواهد آمد که شخص از مال و دارائی که بدست آورده، است هیچ پروا ندارد، آیا از حلال است یا از حرام»^(۱).

بله آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است در این ایام بوضوح بچشم می‌خورد، که بیشتر مردم کوشش و تلاش دارند که مال و ثروت جمع آوری کنند، و هیچ بفکر حلال یا حرام بودن آن نیستند.

۱۲- شراب نوشی و روا دانستن آن:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت شراب نوشی است، که متأسفانه در این ایام بکثرت دیده می‌شود، و به نامهای گوناگون نامیده می‌شود.

در حدیث صحیح انس رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «از نشانه‌های قیامت ...» و ذکر نمودند: «... و شراب نوشیده می‌شود»^(۲).
در حدیث دیگر آمده:

۱- امام بخاری (۱۹۵۴) روایت کرده است.

۲- امام مسلم (۲۶۷۱).

«گروهی از امتم شراب را حلال می‌دانند، و آن را به نام دیگری نامگذاری می‌کنند»^(۱).

۱۳- بسیار شدن زنا و فحشاء:

یکی دیگر از نشانه‌های که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله پیشینگوئی فرموده است، زیاد شدن زنا و فحشا می‌باشد.

در حدیث انس رضی الله عنه در باره نشانه‌های قیامت آمده:

«و زنا آشکار می‌شود»^(۲).

و از همه بدتر حلال دانستن آن است که در حدیث آمده: «در امتم گروهی خواهند بود؛ که زنا و ابریشم را حلال و جایز می‌پندارند»^(۳).
و در حدیث دیگر آمده است:

«زمانی می‌آید که مردمان (در جلو دید دیگران) مانند الاغ مرتکب فعل زشت می‌شوند و بر آنان قیامت بر پا می‌شود»^(۴).
و در حدیث ابوهریره چنین آمده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده:

«قسم بذاتی که جانم در دست اوست، این امت از بین نمی‌رود تا اینکه فردی زنی را در وسط راه بگیرد و با وی مرتکب عمل فاحشه شود، در آن زمان بهترین آنها کسی است می‌گوید: کاش پشت این دیوار می‌رفتی...»^(۵).

۱- حدیث صحیح است، امام احمد (۳۱۸/۵) و ابن ماجه (۱۱۲۳/۲) روایت کرده اند.

۲- امام بخاری (۱۷۸/۱) و امام مسلم (۲۲۱/۱۶) روایت کرده اند.

۳- امام بخاری (۵۱/۱۰ فتح الباری).

۴- امام مسلم (۷۰/۱۸) روایت کرده است.

۵- امام ابویعلی روایت کرده است و هیشمی در مجمع الزوائد (۳۳۱/۷) رجالش را رجال صحیح دانسته است.

۱۴- آشکار شدن ساز و موسیقی و رقص و همچنین جایز دانستن آن:

سهل بن سعد از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که فرمود:
 «در آخر زمان (خسف) فرو رفتن در زمین، و (قذف) پر تاب سنگ آسمان و
 مسخ (چهره‌ها) خواهد بود».

عرض شد: یا رسول الله! چه وقتی؟

فرمود:

«هنگامی که آلات موسیقی و ساز، و زنان آواز خوان آشکار، و بسیار شوند».
 متأسفانه امروزه امت اسلامی مبتلا و دامنگیر همه اینها است، به هر سوی که بنگریم
 صدای آواز و موسیقی بلند است، و زنان و مردان هنرپیشه و رقص گوی هر میدانی را
 روده‌اند.

۱۵- زینت دادن مساجد:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت مزین، و نقش و نگار کردن مساجد، و همچنین فخر
 فروشی یکدیگر می‌باشد. انس بن مالک روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود:
 «قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه مردم نسبت به مساجد به یکدیگر فخر کنند»^(۱).
 در روایت دیگر چنین آمده:
 «از نشانه‌های قیامت اینست که مردم در (ساخت و ساز) مساجد به یکدیگر فخر
 فروشی کنند»^(۲).

شکی نیست که مساجد با ذکر و طاعت خدا و رسولش، آباد می‌گردد نه با نقش و نگار
 ساختش.

و در حدیث دیگر و عید سختی آمده است:

۱- حدیث صحیح است، امام احمد در مسند (۱۳۴/۳) روایت کرده است.

۲- سنن امام نسائی (۳۲/۲) و صحیح ابن خزیمه (۲۸۲/۲).

«هنگامی که مسجدهای تان را مزین و رنگارنگ ساختید و قرآنهایتان را با آب طلاء زینت دادید، پس نابودی و هلاک برایتان است»^(۱).

۱۶- رقابت با یکدیگر در ساختن ساختمانهای بلند:

این نشانی همچنانکه پیامبر گرامی مان فرموده بود، بعد از عصر نبوت، با آغاز فتوحات اسلامی، و بدست آمدن کنزها و گنجینه‌های دنیا شروع گردید، و رفته رفته رو به پیشرفت است، و این روزها ما شاهد هستیم که بینوایان و چوپانان و پا برهنه گان در بنای ساختمانهای مجلل و بلند بر یکدیگر سبقت می‌جویند و فخر می‌فروشند.
در حدیث جبرئیل چنین آمده:

«... من تو را از نشانه‌های قیامت آگاه می‌سازم، هنگامی که چوپانان در ساختمان سازی بر یکدیگر سبقت بجویند و فخر فروشی کنند...»^(۲).
و در روایت امام مسلم:

«افراد لخت و پا برهنه گان و بینوایان گوسفند چرانها در ساخت و ساز و بلندی آن به یکدیگر فخر بفروشند»^(۳).

۱۷- کنیز مالک و آقای خود را بزاید:

در دنباله حدیث جبرئیل چنین آمده است:
«... من تو را از نشانه‌های قیامت آگاه می‌سازم، هر گاه کنیز آقا و بانوی خود را بزاید»^(۴).

علماء درباره شرح این حدیث اقوال و آراء مختلفی دارند.

۱- صحیح الجامع الصغیر (۵۹۹) علامه آلبنی اسنادش را حسن دانسته است.

۲- امام بخاری (۵۰) و امام مسلم (۱۰) روایت کرده اند.

۳- کتاب الایمان (۱/۱۵۸).

۴- امام بخاری (۵۰) و امام مسلم (۱) روایت کرده اند.

امام ابن حجر عسقلانی می‌گوید:

چنین است که نافرمانی پدر و مادر زیاد می‌شود، آنگاه فرزند با مادرش رفتار آقا با کنیز پیش می‌گیرد، و او را اهانت می‌کند، دشنام می‌دهد و او را می‌زند و مانند خدمتکار از وی کار می‌کشد^(۱).

آری، این علامات و نشانی نیز امروزه بخوبی بچشم می‌خورد، که دختران چنان با مادرانشان بر خورد می‌کنند، که در زمان قدیم آقا و سید با کنیز و نوکر خودش بر خورد می‌کرد، و در نظر اینگونه دختران نافرمان، مادران بیچاره، در منزل مانند یک خدمتکاری، بیش نیستند.

ولی باید دانست که خوشنودی خداوند در خوشنودی پدر و مادر است، کسی که پدر و مادرش را رنجانید، خداوند هرگز از وی راضی نمی‌شود.

سعدی شاعر شیرین سخن چنین می‌گوید:

چه خوش گفت زالی بفرزند خویش	چو دیدش پلنگ افکن و پیلتن
گر از عهد خریدت یاد آمدی	که بیچاره بودی در آغوش من
نکردی درین روز بر من جفا	که تو شیر مردی و من پیرزن

۱۸- قتل و کشتار زیاد:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت، کثرت قتل و کشتار می‌باشد، در حدیث ابو هریره

آمده است که رسول خدا ﷺ فرمودند:

«قیامت وقتی بر پا می‌شود که «هرج» زیاد شود»

عرض شد: یا رسول الله! «هرج» چیست؟

فرمودند: «قتل، قتل»^(۲).

۱- به فتح الباری (۱/۱۲۲-۱۲۳) رجوع کنید.

۲- صحیح مسلم (۱۸/۲۸۸۸).

و در حدیث دیگر می‌فرماید:

«قسم به آن ذاتی که جانم در دست اوست، دنیا تمام نمی‌شود تا اینکه بر مردم زمانی بیاید که قاتل نمی‌داند برای چه فرد را کشته، و نه مقتول می‌داند برای چه کشته شده است».

پرسیده شده: ای رسول خدا ﷺ این چگونه می‌شود؟
فرمودند:

«(هرج) فتنه، قاتل و مقتول هر دو در دوزخند»^(۱).

آنچه پیامبر گرامی ﷺ درباره وقوع حوادث و فتنه‌های تاریک، پیشگویی فرموده بودند، برخی از آنها در عهد صحابه بعد شهادت حضرت عثمان، واقع گردید، و تا به امروز بر اثر فتنه و آشوب و جنگهای داخلی و خارجی و وجود اسلحه‌های خطرناک، در هر روز هزاران انسان کشته می‌شوند، و ارزش انسان آنقدر کم گردیده، که مانند یک گوسفند ذبح می‌شود.

۱۹- پدیدار شدن شرک در این امت:

ثوبان رضی الله عنه می‌فرماید:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«هر گاه شمشیر بر امتم گذاشته شد، تا روز قیامت برداشته نمی‌شود، و قیامت هنگامی بر پا می‌شود که قبیله‌های از امتم به مشرکین پیوندند، و آن زمانی که قبایلی از امتم بتها را پرستش نمایند»^(۲).

این نشانی، از نشانه‌های است که برخی از نمونه‌های آن پدیدار شده است و افرادی، از امت بت پرست شده و به مشرکین پیوسته اند، و شرک تنها در عبادت سنگ و چوب خلاصه نمی‌شود، بلکه تقدیس افراد و طواغیت، و همچنین کنار گذاشتن دستورات دین خداوند نیز شامل است.

۱- امام مسلم (۲۹۰۸) روایت کرده است.

۲- حدیث صحیح است امام ابوداود (۴۲۵۲) و امام ترمذی (۲۱۷۶) روایت کرده اند.

حضرت عایشه رضی الله عنها می فرماید:

شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«شب و روز به پایان نمی‌رسد (یعنی قیامت بر پا نمی‌شود) تا اینکه لات و

عزی پرستش شود».

آنگاه من عرض کردم:

ای رسول خدا من چنین تصویری می‌کردم هنگامی که خداوند این آیه را نازل فرمود:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ

كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ [التوبة: ۳۳]. «او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین

حق فرستاد، تا آن را بر همه دین‌ها غالب گرداند، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند».

برای همیشه و تمام است.

فرمودند:

«تا زمانی که خداوند خواسته باشد چنین خواهد بود، سپس خداوند نسیم

پاکیزه‌ای می‌فرستد، آنگاه کسی که به اندازه خردل ایمان در دل دارد، قبض روح

می‌کند، پس کسانی که هیچ خیری در آنها نیست باقی می‌مانند در آن صورت آنها به

دین نیاکان خود بر می‌گردند»^(۱).

۲۰- نزدیک شدن زمان (کم شدن فاصله‌ها):

ابو هریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا فرمودند:

«قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه زمان به هم دیگر نزدیک شود»^(۲).

و انس بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

۱- امام مسلم (۲۹۰۷) روایت کرده است.

۲- امام بخاری (۸۱/۱۳) فتح الباری) روایت کرده است.

«قیامت بر پا نمی‌شود تا این که زمان (و فاصله‌ها) به همدیگر نزدیک گردد، آنگاه سال مانند یک ماه، و یک ماه مانند یک هفته، و هفته مانند یک روز، و یک روز مثل یک ساعت، و یک ساعت، به اندازه سوزاندن یک برگ درخت خرما خواهد بود»^(۱).

علما در باره نزدیک شدن زمان آرای مختلفی دارند، برخی می‌گویند:

منظور از نزدیک شدن، کم شدن برکت اوقات می‌باشد.

امام ابن حجر عسقلانی می‌گوید:

«بدرستی که در زمان ما این محسوس است، که می‌بینم زمان و وقت خیلی زود و با سرعت می‌گذرد، در حالی که در عصر و قرن گذشتگان چنین نبود»^(۲).

امام خطابی می‌گوید:

این در زمان حضرت مهدی و حضرت عیسی علیهما السلام خواهد بود، چون که مردم در ناز و نعمت زندگی میکنند، و در امن و عدالت و آسایش هستند، و معمولاً چنین ایام خوشی هر چند که طولانی باشد مردم آن را کم می‌پندارند، و ایام سختی اگر چه کم باشد، آن را زیاد می‌بینند^(۳).

برخی دیگر از علماء معتقدند، که منظور از نزدیک شدن زمان، ایجاد وسائل ارتباط جمعی، و همچنین وجود وسائط نقلیه مختلف، از قبیل هواپیما و کشتی‌ها و قطارهای سریع السیر است که با سرعت زیادش مسافتهای دور را نزدیک گردانیده است.

و شاید نیز منظور از نزدیک شدن، نزدیکی حقیقی باشد و زمان کوتاه شود^(۴).

۲۱- نزدیک شدن بازارها:

ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

۱- حدیث صحیح است، امام ترمذی (۲۴۳۴ تحفه الاحوذی) روایت کرده است.

۲- فتح الباری (۱۹/۱۳).

۳- نگاه: فتح الباری (۱۹/۳) و معالم سنن شرح سنن ابی داود (۱۴۲/۶).

۴- به فتح الباری (۱۹/۱۳) و عقائد اسلامی سید سابق (ص ۲۴۷) رجوع شود.

«قیامت بر پا نمی‌شود، تا اینکه فتنه‌ها آشکار گردد، و دروغ بسیار شود، و بازارها نزدیک گردد»^(۱).

امروزه ما مشاهده می‌کنیم که چگونه بازارهای جهان به همدیگر نزدیک شده است. هم از نظر قرب مادی و ظاهری و هم از نظر اینکه با ایجاد و اختراع وسائل جدید، از قبیل تلفن و موبایل و اینترنت، دسترسی به اکثر بازارهای دنیا آسان و میسر گردیده است.

۲۲- زیاد شدن دروغ:

دروغ یکی از صفات رذیله اخلاقی است، که دین مبین اسلام از آن بشدت نهی فرموده است، بنابراین برای شخص مسلمان جایز نیست که دروغ بگوید گرچه برای مسخره و شوخی باشد، زیرا که در حدیث آمده است:

«وای بر آن شخص که سخنی بدروغ می‌گوید، تا اینکه مردم را بخنداند، وای بر او، وای بر او»^(۲).

پس دروغ گفتن جایز نیست، و از نشانه‌های قیامت است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در حدیث چنین فرموده است:

«قیامت بر پا نمی‌شود، تا اینکه علم گرفته شود و فتنه‌ها آشکار گردد، و دروغ بسیار شود...»^(۳).

۲۳- زیاد شدن تجارت:

۱- امام احمد (۵۱۹/۲) روایت کرده است.

۲- امام احمد (۶/۵) و ابوداود (۴۹۹۰) و ترمذی (۲۳۱۶) روایت کرده اند.

۳- حدیث صحیح است ابن حبان (۶۷۱۸) روایت کرده است.

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت اینست که تجارت و کار و بار زیاد می‌شود، و همه مشغول بازار و تجارت می‌گردند، تا جای که زنان نیز دوش به دوش مردان در تجارت و بازار مشارکت می‌نمایند.

در حدیث آمده است:

«قبل از قیامت تجارت زیاد و عام می‌گردد، تا جای که زن در تجارت با شوهرش مشارکت می‌کند»^(۱).

در حدیث دیگر آمده است:

«از نشانه‌های قیامت اینست که مال و دارائی بسیار گردد، و تجارت عام شود»^(۲).
ما امروزه این سخن و پیش‌گوی پیامبر ﷺ را مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم که چگونه تجارت زیاد شده و زنان نیز دوش به دوش مردها در بازارها، به خرید و فروش مشغول هستند.

۲۴- آزمندی و بخل زیاد:

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت اینست که مردم هر چه مال و دارائی آنها بیشتر گردد به طمع و بخل آنان نیز افزوده می‌گردد، دین مبین اسلام پیروانش را به انفاق و خرج کردن در راه خدا ترغیب و تشویق نموده است، و فرموده، انفاق کنید قبل از اینکه روزی بیاید که فرد محتاجی را نیاید که به وی صدقه دهید.

حضرت ابو هریره از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که فرمودند:

«از نشانه‌های قیامت اینست که بخل و آزمندی بسیار گردد»^(۳).

علماء می‌گویند:

۱- امام احمد (۴۰۷/۱-۴۰۸) روایت کرده است، سلسله الأحادیث الصحیة شماره (۶۴۷).

۲- امام نسائی (۲۴۴/۷).

۳- امام طبرانی روایت کرده است (مجمع الزوائد ۳۲۷/۷).

در طول تاریخ بخل وجود داشته و افراد بخیل همیشه بوده اند ولی در قرب قیامت چنین بین مردم زیاد می‌شود، بطوری که یکدیگر را به عدم انفاق و دست نگه داشتن، و بخل ورزیدن، سفارش می‌کند.

امام ابن حجر می‌فرماید:

این نوع بخل در هر چیزی دیده می‌شود، بطوری که عالم در تعلیم علم و فتوا دادن بخل می‌ورزد، صنعت‌گر در صنعتش، و حاضر نیست به کسی بیاموزد، و شخص غنی و توانگر نیز با مال خودش بخل می‌ورزد، تا اینکه فقیر از بین برود، و از گرسنگی هلاک شود^(۱).

۲۵- زلزله‌های بسیار:

هر چند که امروزه دانشمندان برای زلزله، تفسیر و تحلیل‌های طبیعی ارائه می‌دهند، که بر اثر فعل و انفعالات بوقوع می‌پیوند، شکی نیست بر خشم و غضب الهی دلالت دارد، و برای انسانها همانند یک زنگ و آژیر خطری است تا اینکه از خواب و غفلت بیدار شده و بخود آیند، پس بنابراین زلزله، برای مؤمنان پند و عبرتی است برای عاصیان و نافرمانان شکنجه و عذابی است.

حضرت رسول الله ﷺ فرمودند:

«قیامت بر پا نمی‌شود، تا اینکه زمین لرزه‌های بسیار رخ دهد»^(۲).

و در حدیث دیگر چنین آمده:

«قبل از قیامت مرگ و میر بسیار خواهد بود، و بعد از آن سالهای پر زلزله خواهد

آمد»^(۳).

امام حجر عسقلانی در فتح الباری شرح صحیح بخاری می‌نویسد:

۱- فتح الباری (۲۰/۱۳).

۲- امام بخاری (۷۱۲۱) روایت کرده است.

۳- امام احمد (۱۰۴/۴) روایت کرده است.

بدرستی که زمین لرزه‌های بسیاری در سرزمینهای شمال و مشرق و مغرب، صورت گرفته است، و لیکن ظاهراً آنچه مراد این حدیث است، اینست که زیاد و همه جا و پی در پی باشد^(۱).

۲۶- آرزو و تمنای مرگ کردن:

هنگامی که فتنه، و آشوب و بلاها، و گرانی، از هر سو به انسان هجوم می‌آورد، در این صورت فرد برای فرار از عذاب و شکنجه دنیوی آرزوی مرگ می‌کند، شخص مؤمن وقتی که می‌بیند باطل و اهل باطل، غالب هستند و معاصی و منکرات عام شده بخاطر، اینکه مبادا در فتنه قرار بگیرد، و بر ایمان و دین خودش هراس و ترس دارد، بدین خاطر تمنای مردن را می‌نماید؛ و افراد کافر و عصیانگر بخاطر فتنه، و سختی دنیا، آرزوی مرگ را می‌کنند.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«قیامت بر پا نمی‌شود، تا اینکه فرد بر قبر شخص گذر کند و بگوید: ای کاش من جای آن بودم»^(۲).

و در حدیث دیگر چنین آمده:

«قسم بذاتی که جانم در دست اوست، عمر دنیا به پایان نمی‌رسد، تا اینکه شخص بر قبر گذر نماید، پس صورت خودش را بر آن قبر بگذارد، و بگوید: ای کاش من جای صاحب این قبر بودم، و این آرزویش، و بخاطر دین و ایمانش نیست بلکه بخاطر بلا و سختی است»^(۳).

در مسند احمد چنین روایت شده:

۱- فتح الباری (۹۳/۱۳ - ۹۴).

۲- امام بخاری (۷۱۱۵) روایت کرده است.

برای شرح این حدیث به فتح الباری (۸۱/۱۳) رجوع شود.

۳- امام مسلم در کتاب الفتن (۱۵۷) روایت کرده است.

«آرزوی او بخاطر دوست داشتن لقاء الله نیست»^(۱).

پس دانستیم که اهل ایمان بخاطر ترس از ایمانشان، و اهل باطل و معصیت بخاطر سختی و مشکلات زندگی آرزوی مرگ می‌کنند.

۲۷- بارندگی بسیار و رویش کم گیاهان:

باران رحمت خداوند است که با باریدنش طبیعت مرده را دوباره زنده می‌گردد، و همه چیز شاداب می‌شود، در قرب قیامت چنین می‌شود که بارندگی صورت می‌گیرد اما این باران، باران رحمت و رویش گیاه نخواهد بود بلکه عذاب و شکنجه خواهد بود.

صحابی بزرگوار ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت بر پا نمی‌شود، تا زمانی که باران شدیدی بیارد، بطوری که تمام خانه‌های گلی، نتواند در مقابل آن استقامت کند، و جز خانه‌های که از پشم بافته شده از آن باران محفوظ نمی‌ماند»^(۲).

و حضرت انس رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت بر پا نمی‌شود، تا اینکه باران بسیار بیارد، ولی زمین چیزی را نرویانند»^(۳).

و در حدیث دیگر ابوهریره رضی الله عنه چنین روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«قحط سالی این نیست که باران نبارد، لیکن قحط سالی حقیقی اینست که باران بیارد و بیارد، ولی زمین چیزی را نرویانند»^(۴).

۲۸- مسخ شدن چهره‌ها و پدیدار شدن خسف (فرو رفتن در زمین) و قذف (پر تاب سنگ از آسمان)

۱- مسند احمد (۵۳۰/۲).

۲- حدیث صحیح است امام احمد (۲۶۲/۲) روایت کرده است.

۳- امام احمد (۱۴۰/۳) روایت کرده است.

۴- امام مسلم (۲۹۰۴) روایت کرده است.

عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «در امتم مسخ (چهره‌ها)، و خسف (فرو رفتن در زمین) و قذف (پرتاب سنگ از آسمان) خواهد بود»^(۱).

ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «در آخرین امت؛ خسف و مسخ و قذف، خواهد بود». عایشه می‌گوید:

عرض کردم: ای رسول خدا! آیا در حالی که نیکان در میان ما هستند، باز هم هلاک می‌شویم؟
فرمود:

«آری هر گاه زشتی (و پلیدی) آشکار گردد»^(۲).

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه از رسول خدا روایت می‌کند که فرمود:

«پیش از وقوع قیامت؛ مسخ و خسف و قذف خواهد بود»^(۳).

در حدیث دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

«هر گاه شنیدید که لشکری در زمین فرو رفته است، بدانید که وقوع قیامت نزدیک است»^(۴).

در قرنهای گذشته در برخی از نقاط جهان در شرق و غرب خسف صورت گرفته است^(۵). همچنین در عصر حاضر در جاهای مختلفی از کره خاکی خسف رخ داده است، و این یک

۱- امام احمد (۲۱۸/۲) و ابن ماجه (۴۰۶۰) روایت کرده است.

۲- امام ترمذی (۲۱۸۵) روایت کرده است.

۳- امام ابن ماجه (۴۰۵۹) روایت کرده است.

۴- مسند احمد (۳۷۸/۶).

۵- به فتح الباری (۸۴/۱۳) و عون المعبود (۴۲۹/۱۱) رجوع کنید.

هشدار از طرف خداست، شاید انسانهای نافرمان و عاصی به سوی خدا باز گردند و توبه کنند.

گفتنی است که خسف و دگرگونی و مبدل شدن چهره‌ها به بوزینه و خوگ و همچنین سنگ باران؛ عقوبتی است که خداوند بر شراب خواران و عصیانگران می‌فرستد. در حدیث دیگر چنین آمده:

«گروهی از امت من شراب را می‌نوشند و آن را به نام دیگری می‌نامند، در حالی که رقصان و ترانه خوانان بر سر آنها موسیقی می‌نوازند و ترانه می‌خوانند، خداوند آنها را در زمین فرو می‌برد، و برخی از آنها را به بوزینه و خوگ تبدیل می‌کند»^(۱).

۲۹- زنان پوشیده‌ی عریان

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت اینست؛ که زنان از پوشش و لباس اسلامی بیرون آیند، و طرزی لباس بپوشند که بدنشان ظاهر و نمایان باشد.

عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت می‌کند که شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «در آخر امت من مردانی خواهند بود، که بر مرکبهای سوار می‌شوند... کنار دروازه‌های مساجد پیاده می‌شوند، زنانشان (کاسیات عاریات) اند، با وجود اینکه لباس پوشیده اند لخت هستند. (موهای آنان) بر سرشان مانند کوهان شتر است، آنان را لعنت کنید که ملعون هستند...»^(۲).

در حدیث دیگر فرموده است:

«از نشانه‌های قیامت اینست؛ که لباسهای آشکار می‌شود، که زنان آن را می‌پوشند، که با وجود پوشش لخت هستند»^(۳).

۱- حدیث صحیح ابن ماجه (۴۰۲۰) روایت کرده است.

۲- مسند احمد (شماره ۷۰۸۳) تحقیق احمد شاکر.

۳- مجمع زوائد (۳۲۷/۷).

این احادیث از معجزات رسول خدا ﷺ بشمار می‌آید، زیرا چنانکه پیشگویی فرموده بودند واقع گردیده است.

«کاسیات عاریات» با وجود لباس لخت بودن؛ دو معنا و مفهوم دارد:

یکی اینست که شفاف و نازک باشد.

دوم اینکه تنگ و چسبیده به بدن باشد.

در هر دو صورت پوشش و حجاب رعایت نشده است.

۳۰- کم شدن افراد صالح

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت؛ کم شدن افراد صالح می‌باشد، بطوری که افراد صالح و نیکوکار وفات می‌کنند، و افراد شرور و بدکار باقی می‌مانند، و بر آنان قیامت بر پا می‌شود. در حدیث آمده است:

«قیامت بر پا نمی‌شود تا زمانیکه خداوند اهل خیر و افراد صالح از روی زمین بر دارد، آنگاه مردمانی پست باقی بمانند که نه کار معروفی را می‌شناسند و نه کار زشتی را انکار می‌کنند...»^(۱).

۳۱- زیاد شدن زنان و کم شدن مردان

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت اینست؛ که تعداد مردها کم شود، و تعداد زنان افزوده گردد.

انس بن مالک رضی الله عنه می‌گوید:

رسول خدا ﷺ فرمود:

«از نشانه‌های قیامت: اینکه علم (دین) کم شود، و جهل و نادانی زیاد گردد، و زنا آشکار شود، و زنان بسیار گردند، و مردها کم شوند، طوری که یک مرد سرپرستی

۱- مسند احمد (۲/۲۱۰) و مستدرک حاکم (۴/۴۳۵).

پنجاه زن را بعهده دارد»^(۱).

گفتنی است که؛ مراد از «پنجاه» حقیقت عدد نیست بلکه هدف کثرت است، زیرا که در حدیث دیگر آمده:

«...ویری الرجل الواحد يتبعه أربعون امرأة يعذن به...».

«... یک مرد دیده می‌شود که ۴۰ زن همراه اویند و به او پناه می‌آورند...»^(۲).

۳۲- مرگ ناگهانی (و سکنه)

مرگ ناگهانی یکی از نشانه‌های قیامت است؛ که امروزه بسیار دیده می‌شود، که فرد سالم و تندرست و بدون هیچ گونه ناراحتی ناگهانی فوت می‌کند، و در عصر امروز بنام سکنه قلبی نامیده می‌شود.

انس بن مالک رضی الله عنه روایت که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«از نشانه‌های قیامت ... اینکه مرگ ناگهانی بسیار گردد»^(۳).

۳۳- قطع رحم و بریدن پیوند خویشاوندی

دین اسلام درباره رعایت حقوق ذو الأرحام سفارشات بسیاری دارد؛ خداوند چنین وعده کرده است: «کسی که صله خویشاوندی را پیوند نماید، خدا او را به خودش وصل نماید، و کسی که صله خویشاوندی را قطع کند، خداوند او را از خود ببرد».

و در حدیث آمده:

«قاطع رحم به بهشت وارد نمی‌شود»^(۴).

۱- صحیح بخاری (۵۲۳۱) و صحیح مسلم (۲۶۷۱).

۲- (صحیح بخاری (۱۴۱۴) و صحیح مسلم (۱۰۱۲) و به فتح الباری (۱۷۹/۱) رجوع شود.

۳- طبرانی روایت کرده است (مجمع الزوائد ۳۲۵/۷).

۴- صحیح مسلم (۲۵۵۶).

پس قطع نمودن روابط خویشاوندی از نشانه‌های قیامت بشمار می‌آید؛ که امروزه بخاطر مال دنیا و سر گرم شدن مردم به تجارت بسیار شده است، ماهها و سالها می‌گذرد، از همدیگر خبری ندارند، و کسی حق خویشاوندی بجای نمی‌آورد.

عبدالله بن عمرو رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود:

عبدالله بن عمرو رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: «قیامت بر پا نمی‌شود تا زمانی که زشتی و بی حیایی و قطع رحمی ... آشکار و عام شود»^(۱).

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرده است؛ که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«پیش از قیامت تجارت و قطع پیوند خویشاوندی... خواهد بود»^(۲).

۳۴- سر زمین عرب دوباره سر سبز و خرم می‌شود

ابو هریره رضی الله عنه از رسول گرامی صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود:

«قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه سر زمین عرب دوباره سرسبز و دارای باغها و نهرا گردد»^(۳).

چنانکه واضح است سرزمین عرب؛ کوهستان، صحرا، دشت، و ریگستان می‌باشد، اما در قرب قیامت سر سبز می‌شود و به باغستانهای زیبا تبدیل می‌گردد.

و از این حدیث فهمیده می‌شود که در ایام گذشته بسیار دور سر زمین عرب سر سبز و دارای نهراهای جاری و باغستانهای زیبا بوده، که قبل از قیامت دوباره بحالت اول خود بر می‌گردد.

۳۵- سخن گفتن درندگان و جمادات با انسان

یکی دیگر از نشانه‌های قیامت که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای امت فرموده اینست؛ که

۱- مسند احمد (۲/۲۶۳).

۲- مسند احمد (۱/۵۰۹) و حاکم در مستدرک (۴/۴۹۳).

۳- صحیح امام مسلم (۱۵۷/۲۳۳۹).

جانوران درنده و وحشی، و همچنین جمادات، از چوپ و کفش و غیره با انسان سخن می‌گویند.

ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت می‌کند رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قسم به ذاتی که جانم در دست اوست قیامت بر پا نمی‌شود؛ تا اینکه درندگان با انسانها سخن بگویند، و شلاقش و بنده کفشش با او سخن بگویند»^(۱).

۳۶- از نهر فرات کوه طلا نمایان می‌شود

ابو هریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«قیامت آنوقت بر پا می‌شود؛ که فرات کوهی از طلا را نمایان کند، مردمان بسیاری برای بدست آوردن آن با یکدیگر می‌جنگند، از هر صد نفری ۹۹ نفر کشته می‌شود، و هر که می‌گوید: کاش من همانا یک نفر می‌بودم»^(۲).

در روایت دیگر آمده:

«نزدیک است که فرات گنجی از طلا را آشکار نماید، پس کسی که آنجا حاضر بود چیزی بر ندارد»^(۳).

این نشانی هنوز آشکار نشده، هر چند که برخی معتقد هستند که مراد از طلا، نفت است، ولی همه می‌دانند که نفت طلا نیست، و در لفظ حدیث: «کوه طلا» آمده است.

۳۷- خروج قحطانی

در آخر الزمان فردی از قبیله قحطان خارج می‌شود؛ حکومت و رهبری امت را بدست می‌گیرد.

۱- مسند احمد (۳/۸۳).

۲- صحیح مسلم (۲۸۹۴).

۳- صحیح بخاری (۷۱۱۹) و صحیح مسلم (۷۲۷۴).

ابوهریره رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که فرمود:
 «قیامت بر پا نمی‌شود تا زمانی که مردی از قبیله قحطان خروج کند، و مردم را با
 عصا براند»^(۱).

برای جمله «مردم را با عصا می‌راند» دو معنا ذکر شده:
 یکی خشونت و قسوت او را می‌رساند.
 دومی اینکه مردم مطیع و فرمان بردار او هستند^(۲).
 همچنین شخصی دیگر نیز بنام «جهجاه» پادشاه و حاکم می‌شود.
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:
 «زمان (شب و روز) پایان نمی‌پذیرد؛ تا اینکه فردی از موالی (غلامان آزاد شده)
 که به او جهجاه گویند، حاکم و پادشاه شود»^(۳).
 و این شخص غیر از قحطانی است، زیرا که قحطانی منسوب به قبیله قحطان از یمن است،
 و درباره جهجاه آمده که از غلامان می‌باشد^(۴).

۱- صحیح بخاری (۷۱۱۷) و صحیح مسلم (۲۹۱۰).

۲- فتح الباری (۵۳۵/۶) و تذکره قرطبی (۵۳۰).

۳- صحیح مسلم (۲۹۱۱) و مسند احمد (۴۳۵/۲).

۴- فتح الباری (۵۴۵/۶) و تحفه الأحوذی (۴۸۳/۶).

نشانه‌های بزرگ قیامت

ما در بخش گذشته برخی از نشانه‌های کوچک (صغری) قیامت را با ذکر دلیل بیان نمودیم، در این بخش از کتاب به ذکر نشانه‌های بزرگ (کبری) قیامت می‌پردازیم:

حذیفه بن اسید غفاری رضی الله عنه روایت می‌کند که روزی ما اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره قیامت گفتگو می‌کردیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما وارد شدند، و پرسیدند: «درباره چه گفتگو می‌کنید؟»

عرض کردیم: درباره قیامت.

فرمودند:

«قیامت بر پا نخواهد شد تا زمانی که قبل از آن ده نشانی ببینید» آنگاه اینها را ذکر نمود:

۱- دود ۲- دجال ۳- دابه (جنبنده) ۴- طلوع خورشید از مغرب ۵- نزول حضرت عیسی (از آسمان) ۶- یاجوج و ماجوج ۷- سه خسف (فرو رفتن در زمین) یکی در مشرق ۸- دیگری در مغرب ۹- سومی در جزیره العرب ۱۰- و آخرین نشانه‌ها آتشی است که از سرزمین یمن بیرون می‌شود، و مردم را بطرف سرزمین محشر سوق می‌دهد.^(۱)

گفتنی است که نشانه‌های که در این حدیث ذکر شده بر حسب ترتیب وقوع آنها نیست، اما نشانه‌های بزرگ قیامت چنین است که وقتی یکی ظاهر گردید، دیگری در پی آن خواهد آمد.

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود:

«نشانه‌های قیامت گویا مهره‌های یک گردنبند هستند؛ که در یک زنجیر قرار دارند، هرگاه زنجیر بریده شود، مهره‌ها یکی بعد از دیگری بیرون می‌آید»^(۲).

امام ابن حجر در فتح الباری می‌نویسد:

۱- صحیح امام مسلم (۲۹۰۱).

۲- حدیث صحیح است، امام احمد در مسند (۲/۲۸۸) و حاکم در مستدرک (۴/۵۲۰) و ابن ابی شیبہ در مصنف (۷/۴۶۶) روایت کرده است.

به راستی که (در احادیث) ثابت شده است که نشانه‌های قیامت مانند زنجیری است که بریده گردد، و مهره‌های آن با سرعت ریخته و منتشر شود^(۱).

در حدیثی که عبدالله بن عمرو رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده آمده است: «إن أول الآيات خروجا طلوع الشمس من مغربها وخروج الدابة على الناس ضحى و أيهما ما كانت قبل صاحبها، فالأخرى على إثرها قريباً. أولین نشانه‌های که ظاهر می‌گردد؛ طلوع آفتاب از مغرب است، و خروج دابه (جنبنده) بر مردم در هنگام ظهر است، و هر کدام اینها پیشتر از دیگری بود، آن دیگری در پی آن نزدیک خواهد بود»^(۲).

امام احمد بن حجر عسقلانی می‌گوید:

آنچه که از روایات می‌توان ترجیح داد اینست که:

خروج دجال اولین علامت بزرگی است که ما را به تغییر و دگرگونی عظیمی در زمین خبر می‌دهد، و این تغییر با وفات حضرت عیسی بن مریم خاتمه می‌یابد، و همانا طلوع آفتاب از سمت مغرب اولین آیات بزرگی است که ما را از تغییر و دگرگونی در عالم علوی خبر می‌دهد، و این با بر پا شدن قیامت به پایان می‌رسد، و شاید خروج دابه (جنبنده) در همان روزی باشد که آفتاب از مغرب طلوع می‌کند^(۳).

ابو عبدالله حاکم می‌گوید:

آنچه بنظر می‌رسد اینست؛ که طلوع آفتاب پیش از خروج دابه (جنبنده) است، آنگاه دابه در همان روز یا روزی دیگر نزدیک آن خارج می‌شود^(۴).

اما بقیه نشانه‌ها (خسوف سه گانه و دود...) چنانکه ذکر کردیم ترتیب آنها را نمی‌دانیم و نص صحیحی در این زمینه وجود ندارد.

ظهور مهدی

۱- فتح الباری (۷۷/۱۳).

۲- صحیح امام مسلم (۲۹۴۱).

۳- فتح الباری (۳۵۳/۱۱).

۴- مصدر سابق.

مهدی یکی از نشانه‌های قیامت است که در آخر زمان بعد از اینکه دنیا پر از ظلم و جور و فساد گردید، ظهور می‌کند و هفت سال در زمین حکومت می‌نماید، و دنیا را پر از عدل و داد می‌نماید.

در ایام مبارکه ایشان آسمان و زمین از برکات خود چیزی دریغ نمی‌کنند.

امام ابن کثیر رحمته الله می‌گوید:

در زمان او میوه‌ها بسیار و کشت و زرع فراوان خواهد بود، و اموال به وفور یافت می‌شود، و سلطان (حکومت) غالب و چیره است، و دین قائم و پا بر جا است.

و دشمنان شکست خورده هستند و خیر و نیکی در زمانش مستمر است^(۱).

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که فرمود:

«قیامت بر پا نمی‌شود تا زمانی که فردی از اهل بیت من؛ که نامش همانند نام من

است، بر عرب حاکم شود»^(۲). و در روایت دیگر آمده:

«لو لم یبق من الدنیا إلا یوم لطول الله ذلک الیوم... اگر از عمر دنیا بجز یک روز

باقی نباشد، خداوند آن یک روز را طولانی می‌گرداند، تا فردی از اهل بیت من که نامش

همانند نام من است بر مردم حاکم شود»^(۳).

امیر المؤمنین علی رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که فرمود:

«اگر از عمر روزگار جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند فردی از اهل بیت من را

می‌فرستد، تا همچنان که دنیا پر از ظلم و جور شده، پر از عدل نماید»^(۴).

۱- علامات یوم القیامة (از کتاب النهایة) (ص ۱۰۶).

۲- حدیث صحیح است، امام احمد (۴۷۱/۱) و ترمذی (۲۲۳۰) و ابوداود (۴۲۸۲) روایت کرده است.

۳- ابوداود (۴۲۸۲) و احمد (۱۲۰/۱) و بغوی در شرح السنه (۴۵۷/۷) روایت کردند، در برخی الفاظ آن آمده «نام پدرش همانند نام پدر من است».

۴- حدیث صحیح است امام ابوداود (۴۲۸۳) و ابن حبان (۶۸۲۳) و حاکم (۶۰۰/۴) روایت کرده اند.

احادیثی که درباره مهدی روایت شده بسیار است^(۱) و علماء آنها را در زمره احادیث متواتر ذکر می‌نمایند^(۲).

خروج دجال

خروج دجال یکی از نشانه‌های عظام و بزرگ قیامت است، و فتنه و آزمایشی است که خداوند بندگان را در دنیا مبتلا می‌سازد، تا خالص از ناخالص جدا گردد، چه فتنه‌ای بزرگتر از این که مخلوقی ادعای خدای کند؟!.

خداوند بر دست او خوارق العاداتی ظاهر گرداند، و آمدن دجال زمانی خواهد بود که قحط سالی همه جا فرا گرفته، مردم گرسنه هستند، بارانی از آسمان نمی‌بارد، گیاهی سبز نمی‌شود، در آن هنگام مسیح دجال خروج می‌کند.

و ادعای خدای دارد، به آسمان می‌گوید: باران ببار، سپس می‌بارد، به زمین می‌گوید: گیاه برویان، زمین می‌رویاند، ولی بدان ای مسلمان؛ که او دجال کذاب است، و در این دنیا تا زنده هستی، پروردگارت را نخواهی دید، و هرگز نباید فراموش کرد، که دجال یک چشمش کور است، و پروردگارت کور نیست، تمام پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَامُ امتهای خود را از او بر حذر داشته‌اند، و رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در احادیث بسیاری ما را از فتنه دجال بر حذر داشته، و صفات او را برایمان بیان کرده است، «و همیشه در نمازش؛ از شر فتنه دجال، به خدا پناه می‌برد»^(۳).

و فرموده اند که: «هرگاه از تشهد فارغ شدید، از چهار چیز به خدا پناه بخواهید: از عذاب جهنم، و از عذاب قبر، و از فتنه زندگی و مرگ، و از شر مسیح دجال»^(۴).

۱- اگر خدا توفیق دهد نویسنده گنجهکار اراده دارد که احادیث و روایات وارده در این زمینه در کتابی جداگانه جمع آوری نماید.

۲- برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب استاد بزرگوارمان شیخ عبدالمحسن العباد- حفظه الله - بنام «عقیده أهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر» رجوع نمائید.

۳- صحیح بخاری (۷۹۸) و صحیح مسلم (۵۸۷).

۴- صحیح مسلم (۵۸۸).

و همچنین فرموده:

«هر کس ده آیه آخر سوره کهف را بخواند از فتنه دجال محفوظ می‌ماند»^(۱).

و در برخی الفاظ: «از اول سوره کهف» آمده است.

دجال: یعنی بسیار دروغگو، تلبیس کننده، و دجال فردی است از بنی آدم که دارای صفات مخصوص است که در احادیث ذکر شده است، و در آخر الزمان خارج می‌شود، ما در اینجا پاره ای از آن روایات را ذکر خواهیم کرد.

۱- سمرة بن جندب رضی الله عنه روایت می‌کند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «قسم به خدا قیامت بر پا نمی‌شود، تا اینکه سی نفر دروغگو خارج شوند، و آخرین آنها دجال یک چشم است که چشم چپ او کور است»^(۲).

۲- و در حدیث حذیفه رضی الله عنه آمده است:

«دجال چشم چپش کور است، و موهایش بسیار است، با او بهشت و دوزخ است، پس دوزخش بهشت، و بهشتش دوزخ است»^(۳).

۳- و در حدیث انس رضی الله عنه آمده است، که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«چشم او کور است، و پروردگار شما کور نیست، میان پیشانی او کافر نوشته شده است»^(۴).

و در برخی الفاظ آمده:

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (ک ف ر) را حرف، حرف خواندند، و فرمودند: «هر مسلمانی آن را می‌خواند»^(۱).

۱- امام مسلم (۸۰۹) روایت کرده است.

۲- حدیث صحیح است احمد (۲۲/۵) و بیهقی (۳۳۹/۳) روایت کرده است.

۳- صحیح مسلم (۲۹۳۴).

۴- صحیح بخاری (۷۱۳۱).

گفتنی است که درباره اوصاف چشم دجال آمده که: چشم راستش کور است، و مانند دانه انگور بیرون آمده، و درباره چشم چپش آمده که کور است، برخی روایاتی که درباره «چشم راست» آمده ترجیح می‌دهند.

قاضی عیاض می‌گوید:

هر دو چشمان دجال معیوب است، و همه‌ی روایات صحیح است^(۲).

۴- در صحیح مسلم: حدیثی طولانی از فاطمه بنت قیس رضی الله عنها، روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را جمع نمود، سپس سخنرانی فرمود، و در آن آمده:

«تمیم داری که قبلاً نصرانی بوده، مسلمان شده، و درباره دجال حکایتی برایم گفته است، همانند آنچه که من برای شما بیان کرده بودم».

در این حدیث آمده که: تمیم داری هنگامی که در دریا بودند، طوفانی شدند، و به جزیره‌ای نامعلوم رفتند، و در آنجا انسان قوی هیکلی را دیدند، که دستانش مقید و با زنجیر به گردنش بسته شده، و پاهایش نیز، و میان هر دو زانوهایش با آهن قفل زده شده است، آنگاه او از آنان درباره اخبار عرب، پیامبر آنان پرسید، سپس از نخل بیسان، و دریاچه طبریه، و از چشمه زغر پرسید.

سپس به آنان گفت:

من مسیح دجال هستم، و نزدیک است که به من اجازه خروج داده شود، در همه‌ی سرزمین‌ها جز مکه و طیبه سیر می‌کنم، این دو شهر بر من حرام است؛ هر گاه قصد رفتن به آنجا نمایم، فرشتگان مرا از آنجا دور می‌کنند...^(۳).

مکان خروج دجال:

۱- صحیح مسلم (۲۹۳۳).

۲- به فتح الباری (۱۰۵/۱۳-۱۰۴) و شرح صحیح مسلم (۲۹۴/۹) رجوع کنید.

۳- به صحیح مسلم (۲۹۴۲) رجوع کنید.

در باره‌ی مکان خروج دجال، روایتی آمده است که: «دجال از سر زمین مشرق؛ جای که آن را خراسان می‌نامند بیرون می‌شود»^(۱).
و در روایت دیگر: «از یهودیه اصفهان خارج می‌شود، و هفتاد هزار از یهود اصفهان او را بدرقه و همراهی می‌کنند»^(۲).

مدت مکث و ماندنش در زمین:

نواس بن سمعان رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی درباره دجال صحبت فرمودند، و آنقدر ما را بر حذر داشتند، که ما گمان کردیم، که اکنون دجال در گوشه‌ای از نخلستان است.

در دنباله همین حدیث آمده:

ما از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدیم:

ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، او چه مقدار در زمین می‌ماند؟

فرمودند: «چهل روز، که یک روز آن مانند سال است، و یک روز دیگر آن مانند یک ماه است، و یک روز دیگر آن مانند یک هفته می‌باشد، و باقی روزهایش مانند روزهای عادی شماست...»^(۳).

هلاکت و قتل دجال

دجال بعد از اینکه در همه سرزمینها، - بجز مکه و مدینه - می‌رود، و مردم را به فتنه می‌اندازد، و هیچ کس جز مؤمنان مخلص از شر فتنه او مصون نمی‌مانند، و بعد از چهل روز،

۱- سنن ترمذی (۲۲۳۷) و آلبنی آن را صحیح دانسته است.

۲- صحیح مسلم (۲۹۴۴) و مسند احمد (۲۸۳/۳) و ۲۹۵/۴.

و به فتح الباری (۱۱۳/۱۳) رجوع کنید.

۳- صحیح مسلم (۲۱۳۷).

سر انجام در سرزمین فلسطین در بیت المقدس نزد باب لد^(۱) بدست حضرت عیسی علیه السلام هلاک می‌شود.

در حدیث آمده است:

«هنگامی که دجال، عیسی بن مریم را می‌بیند، مانند نمک که در آب ذوب می‌شود، او ذوب می‌گردد، حضرت عیسی به دنبالش می‌رود و او را تعقیب می‌کند، و او را به قتل می‌رساند، تا اینکه درخت و سنگ ندا می‌دهد: ای روح الله! اینجا یهودی است، و عیسی علیه السلام همه‌ی پیروان او را نیز می‌کشد»^(۲).

در حدیث دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«عیسی علیه السلام دجال را نزد باب لد بقتل میرساند»^(۳).

و بعد از کشته شدن دجال؛ بدست عیسی مسیح، و از بین رفتن پیروانش فتنه‌ها پایان می‌پذیرد.

نزول حضرت عیسی علیه السلام از آسمان

حضرت عیسی بن مریم علیه السلام اکنون زنده است، و در آسمان است، او نمرده، و به دار آویخته نشده، چنانچه نصار معتقد هستند، بلکه خداوند او را زنده به آسمان برده است.

﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿٥٧﴾ بَل رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٨﴾﴾ [النساء: ۱۵۷-۱۵۸]. «و (نیز) بخاطر این گفته‌شان که «ما مسیح، عیسی پسر مریم پیامبر خدا را کشتیم». در حالی که

۱- لد نام دهکده‌ای است، که در نزدیکی بیت المقدس قرار دارد.

(معجم البلدان ۱۰/۵).

۲- مسند احمد (۳/۳۶۷).

۳- صحیح مسلم (۲۱۳۷).

نه او را کشتند و نه به دار آویختند، لکن امر بر آنها مشتبه شد، و هر آینه آنان که در (بارهی قتل) او اختلاف کردند، قطعاً از آن در شک هستند، و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند و به یقین او را نکشته‌اند. بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد، و خداوند پیروزمند حکیم است»

و طبق احادیث صحیحه متواتره او قبل از قیامت از آسمان فرود می‌آید، نه بصفت اینکه پیامبری مرسل است، بلکه او یکی از پیروان و امتیان محمد مصطفی ﷺ می‌باشد، و پشت سر حضرت مهدی نماز ادا می‌کند^(۱).

و خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنُوا بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ ۗ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا

﴾ [النساء: ۱۵۹]. «و (کسی) از اهل کتاب نیست مگر این که قبل از مرگش به او (=

حضرت عیسی) ایمان می‌آورد، و (عیسی) روز قیامت بر آنها گواه خواهد بود».

امام ابن کثیر می‌گوید:

مرجع ضمیر در این آیه به سوی عیسی ﷺ می‌باشد، یعنی هنگام نزول عیسی تمام کتاب به او ایمان می‌آورند، و جزیه را بر می‌دارد و جز اسلام، دین دیگری را از آنها نمی‌پذیرد^(۲).

و خداوند در سوره‌ی زخرف می‌فرماید:

﴿وَإِنَّهُمْ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ ۗ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦﴾﴾ [الزخرف:

۶۱].

۱- به شرح عقیده طحاوی (ص ۵۶۵) تفسیر ابن کثیر (۲۲۳/۷) و تذکره قرطبی و التصريح بما تواتر فی نزول المسيح (محدث انور شاه کشمیری) رجوع کنید.

۲- تفسیر ابن کثیر (۳۶۷/۱).

«و بی گمان او (= عیسی) نشانه ای برای قیامت است، پس هرگز در آن (= قیامت) شک نکنید، و از من پیروی کنید، (که) این راه راست است.»

ابوهریره رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود:

«قسم به ذاتی که جانم در دست اوست، نزدیک است که عیسی بن مریم بعنوان حاکمی عدالت گستر، (از آسمان) فرو آید، آنگاه صلیب را می شکند، و خوک را می کشد، و جزیه را بر می دارد»^(۱).

و در حدیث دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«چگونه خواهید بود، زمانی که عیسی پسر مریم در میان شما فرود آید، و امام شما از خودتان (یعنی حضرت مهدی) باشد»^(۲).

مدت اقامت حضرت عیسی صلی الله علیه و آله:

در درباره‌ی مدت اقامت حضرت عیسی روایات مختلفی آمده، در برخی هفت سال، و در برخی چهل سال، ذکر شده است.

در صحیح مسلم آمده است:

«آنگاه خداوند عیسی بن مریم را می فرستد... پس بمدت هفت سال میان مردم می ماند»^(۳).

و در روایات دیگر آمده:

«حضرت عیسی چهل سال در زمین می ماند، سپس وفات می کند، و مسلمانان بر او نماز می خوانند»^(۴).

۱- امام بخاری (۳۴۴۸) و امام مسلم (۱۵۵) روایت کرده است.

۲- صحیح بخاری (۳۴۴۹) و صحیح مسلم (۱۵۵).

۳- صحیح امام مسلم (۲۹۴۰).

۴- مسند احمد (۵۳۵/۲) و سنن ابو داود (۴۳۲۴).

و حافظ ابن حجر در فتح الباری (۴۹۳/۶) آن را صحیح دانسته است.

از نظر ظاهر بین این دو روایت تعارض وجود دارد، اما در حقیقت تعارض نیست.
امام ابن کثیر می‌گوید:

روایات هفت سال، یعنی بعد از نزول از آسمان؛ هفت سال در زمین اقامت دارند، و روایاتی که بیشتر ذکر شده، مدت عمر ایشان قبل از رفتن به آسمان حساب شده است، چونکه در آنوقت ۳۳ ساله بودند، پس مجموعاً چهل سال می‌شود. والله اعلم^(۱).

صفت و جایگاه نزول حضرت عیسی‌السلام:

در حدیثی که نواس بن سمعان از رسول خدا ﷺ روایت کرده است آمده:
«آنگاه خداوند حضرت عیسی بن مریم را می‌فرستد، پس نزد مناره سفید در شرق دمشق، در حالی که دستانش را بر بالهای دو فرشته گذاشته و دو لباس زرد رنگ برتن دارد فرود می‌آید...»^(۲).

امام ابن کثیر می‌نویسد:

مناره در شرق دمشق؛ در کنار جامع اموی قرار دارد، و هنگامی که می‌آید وقت نماز می‌باشد، و نماز اقامه شده، امام مسلمانان می‌گوید:

ای روح الله! بفرماید نماز بخوانید.

حضرت عیسی می‌فرماید:

شما خودتان پیش امام باشید...

امام ابن کثیر می‌افزاید:

در سال ۷۴۱ هجری مسلمانان آن مناره را با سنگهای سفید، با اموالی که از نصارا گرفته بودند، تجدید بنا و بازسازی کردند، و این خود یکی از معجزات آشکار رسول خداست، که خداوند چنین مقدر نمود، که بوسیله اموال خود نصارا؛ این مناره تجدید بنا گردد، تا

۱- علامات يوم القيامة (از کتاب النهایة) (ص ۱۸۹).

۲- صحیح مسلم (۲۹۳۷).

عیسی عليه السلام در کنار آن فرود آید، و خوک را بکشد، و صلیب (رمز نصارا) را بشکند، و از آنان جزیه نپذیرد، پس یا باید مسلمان شوند، و یا کشته گردند، و همچنین حکم باقی کفار این گونه است^(۱).

وفات و مکان دفن حضرت عیسی عليه السلام:

ابو هریره رضی الله عنه از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم روایت می کند که فرمود:
 «... پس آنچه خدا بخواهد، عیسی خواهد ماند، سپس وفات می کند، و مسلمان بر او نماز می خوانند، و او را دفن می کنند»^(۲).
 درباره جایگاه دفن ایشان؛ در برخی روایت آمده است که در مدینه وفات می کند، و کنار قبر رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم دفن می گردد^(۳).

یأجوج و مأجوج

یأجوج و مأجوج انسان هستند، و از فرزندان حضرت آدم می باشند، آنها بعد از نزول حضرت عیسی، و کشته شدن دجال، خارج می شوند، و در زمین فساد و تباهی می کنند. خروج آنان قبل از قیامت نشانه‌ای از نشانه‌های قیامت است، و قرآن کریم و سنت رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم بر خروج آنان دلالت دارد.
 خداوند می فرماید:

﴿حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿١١﴾ وَأَقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ كَفَرُوا يُؤْيَلْنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿١٢﴾﴾ [الأنبياء: ٩٦-٩٧]. «تا وقتی که (سد) یأجوج و مأجوج گشوده

۱- علامات يوم القيامة (النهاية) (ص ۱۸۸).

۲- مسند احمد (۵۷۶/۲) و سنن ابوداود (۴۳۲۴). و حدیث صحیح است. (سلسله احادیث صحیحه

۳- به کتاب «مدینه شهر پیامبر» بقلم نویسنده رجوع فرمائید.

شود، و آنها از هر (تبه و) بلندی شتابان سرازیر گردند. و وعده‌ی حق (= قیامت) نزدیک شود، پس در آن هنگام چشمهای کسانی که کافر شدند (از وحشت) خیره ماند (گویند): ای وای بر ما که از این (واقعه) در غفلت بودیم، بلکه ما ستمکار بودیم!».

و در داستان ذی القرنین در سوره کهف آمده:

﴿ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا ﴿٣٢﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿٣٣﴾ قَالُوا يَبْنَؤُا الْقَرْيَتَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٣٤﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٣٥﴾ ءَاتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ﴿٣٦﴾ فَمَا اسْتَطَعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا ﴿٣٧﴾ قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ ﴿٣٨﴾ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ﴿٣٩﴾ * وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فُجِّمَعْنَهُمْ جَمْعًا ﴿٤٠﴾﴾ [الكهف: ۹۲-۹۸].

«سپس (ذوالقرنین) از وسایل و اسباب استفاده کرد، و به سفر ادامه داد، تا به میان دو کوه رسید. و در کنار آن دو کوه مردمی را یافت که هیچ سخنی را نمی فهمیدند.

آنان به او گفتند: ای ذی القرنین! یا جوج و مأجوج در این سرزمین فساد می کنند، آیا هزینه‌ای برای تو قرار دهیم، که میان ما و آنها سدّی بسازی؟

ذی القرنین گفت: آنچه پروردگارم در اختیار من قرار داده از قدرت و ثروت بهتر است از آنچه شما پیشنهاد می کنید، پس مرا با نیرو یاری کنید، تا میان شما و آنها سدّ محکمی بسازم.

قطعات بزرگ آهن برایم بیاورید، و روی هم بچینید تا وقتی که کاملاً میان دو کوه را برابر کرد و پوشانید، گفت: در طرف آن آتش بیفروزید، و در آن بدمید، آنها دمیدند.

تا وقتی که قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، گفت: اکنون مس ذوب شده برایم بیاورید، تا بر روی آن بریزم.

سر انجام سد محکمی ساخت، که آنها (یأجوج و ماجوج) اصلاً نتوانستند از آن بالا روند، و نتوانستند سوراخ و نقبی در آن ایجاد کنند.

آنگاه گفت: این از رحمت پروردگار من است، و تا خدا بخواهد پا بر جا می‌ماند، اما هنگامی که وعده‌ی پروردگارم را رسد، آن را درهم می‌کوبد، و وعده‌ی پروردگارم حق است.»

در حدیثی که حذیفه بن اسید غفاری از رسول خدا ﷺ در باره ده نشانی قبل از قیامت، روایت کرده، آمده:

«... و خروج یأجوج و ماجوج...»^(۱).

ام المؤمنین زینب بنت جحش روایت می‌کند که: روزی رسول خدا ﷺ خوف زده بر من وارد شد می‌فرمود: «لا إله إلا الله، ای بر عرب^(۲) از شری که نزدیک شده است، امروز بمانند این از سد یأجوج و ماجوج باز شده است. (و با دو انگشتان شست و شهاده اشاره کرد)».

زینب می‌گوید:

عرض کردم: ای رسول خدا، آیا در حالی که صالحان در میان ما باشند باز هم هلاک می‌شویم؟

فرمود: «آری، هر گاه پلیدی زیاد شود»^(۳).

شکل و صورت آنها:

۱- صحیح مسلم (۲۹۰۱).

۲- حافظ ابن حجر در فتح الباری (۱۰۹/۱۳) می‌گوید: ذکر «عرب» در این حدیث بدین خاطر است که آن وقت بیشتر مسلمانان از عرب بود.

۳- صحیح بخاری (۷۱۳۵) و صحیح مسلم (۲۸۸۰).

طبق اوصافی که در احادیث درباره‌ی آنان آمده، شباهت زیادی به قوم مغول خواهند داشت، صورتی پهن، و چشمهای کوچک، بینی کوتاه، موهای مایل به رنگ قرمز دارند^(۱).

یأجوج و ماجوج و سد ذوالقرنین:

ذوالقرنین پادشاه صالح، این سد عظیم را برای جلوگیری از فساد و تباهی یأجوج و ماجوج بنا کرد، و تا وقتی که خدا بخواهد آن سد عظیم باقی می‌ماند، اما درباره این پرسش که آن سد در کجاست؟

باید گفت: که هیچ کس بطور یقین نمی‌تواند بگوید، در کجا واقع است، هر چند که برخی از پادشاهان گذشته، و تاریخ نویسان کوشش کرده اند، که جایگاه آن را بیابند^(۲).

علامه محمد علی خالدی می‌نویسد:

جغرافیا نویسان عرب، مغولستان را بلاد یأجوج و ماجوج می‌نامیده اند، و بنابراین می‌توان احتمال داد که آن سد نزدیک مغولستان بوده باشد^(۳).

و از زمانی که ذوالقرنین آن سد را ساخته تاکنون آنها پیوسته مشغول حفر آن هستند، در حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند آمده است:

«یأجوج و ماجوج ، هر روز آن سد را حفر می‌کنند، تا اینکه شعاع نور خورشید را می‌بینند، فرمانده آنها می‌گوید: برگردید، فردا آن را حفر کنید، فردا که برمی‌گردند، می‌بینند که سد از اول محکتر شده است، این کار ادامه دارد، تا اینکه وقت خروج آنها فرا رسد، و خداوند خروج و آمدن آنها را بخواهد، پس وقتی که حفر می‌کنند و نور خورشید را مشاهده می‌کنند، فرمانده می‌گوید:

۱- به علامات یوم القیامة (النهاية) (ص ۱۹۷) رجوع کنید.

۲- به تفسیر ابن کثیر (۲۵۱/۵) وأشراط الساعة (ص ۳۷۶) رجوع کنید.

۳- صفوة العرفان (۵۱۳/۳).

امروز بر گردید، و فردا اگر خدا بخواهد حفر می‌کنید، بنابراین فردا می‌آیند، و سد را به همان وضعی که رها کرده بودند است، پس مشغول حفر باقی سد می‌شوند، و موفق به خروج از آنجا می‌شوند...»^(۱).

تعداد یأجوج و مأجوج:

تعداد آنها خیلی زیاد است، درباره کثرت تعداد یأجوج و مأجوج حدیثی در کتاب صحیحین از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت شده که:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند روز قیامت آدم را فرا می‌خواند، و می‌فرماید: گروه جهنمیان را جدا کن، آدم عرض می‌کند: گروه جهنمیان چه کسانی هستند؟

می‌فرماید: از هر هزار نفر، نهصد و نود و نه نفر، آنگاه است، که کودکان پیر می‌شوند، و زنان باردار سقط می‌کنند، و مردم را مانند افراد مست (و مدهوش) می‌بینی، در حالی که مست نیستند، بلکه عذاب خداوند سخت است»، صحابه عرض کردند: ای رسول خدا! کدام یک از ما آن یک نفر خواهد بود! فرمود:

«مژده بگیرید، که از شما یکی خواهد بود، و از قوم یأجوج و مأجوج هزار خواهد بود...»^(۲).

فساد و تبهکاری یأجوج و مأجوج

یأجوج و مأجوج قومی تبهکار هستند، و ذوالقرنین برای جلوگیری از فساد و تبهکاری آنان آن سد محکم و عظیم را ایجاد نمود.

در دنباله‌ی حدیث ابوهریره رضی الله عنه آمده:

۱- حدیث صحیح است امام احمد (۵۱۰/۲) و ابن ماجه (۴۰۸۰) و ترمذی (۳۱۵۳) روایت کرده است.

۲- صحیح بخاری (۳۳۴۸، ۶۵۳۰) صحیح مسلم (۲۲۲).

«بر مردم خروج می‌کنند، تمام آبهای شرب مردم را می‌نوشند، و مردم از ترس آنان در قلعه‌ها و پناهگاهها پنهان می‌شوند، یأجوج و مأجوج تیرهای خود را به سوی آسمان نشانه می‌گیرند، آنگاه تیرهای آنان خون آلود بطرفشان بر می‌گردد، می‌گویند: ما بر اهل زمین و آسمان چیره و غالب شده ایم، آنگاه خداوند یک نوع کرم بر آنها مسلط می‌نماید که بوسیله آن هلاک می‌شوند».

رسول خدا ﷺ افزود: «قسم به ذاتی که جانم در دست اوست جانوران و جنبندگان زمین از خون و گوشت آنها چاق و فربه می‌شوند»^(۱).

و ابو سعید خدری رضی الله عنه از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که فرمود:

«یأجوج و مأجوج سد را باز می‌کنند، آنگاه از هر سو به مردم هجوم می‌آورند، همچنانکه خداوند فرمود: ﴿حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ﴾ [الأنبياء: ۹۶].

به همه‌ی سرزمینها حمله می‌کنند مردم از ترس آنان به پناهگاهها پناه می‌برند، و تمام آبهای روی زمین را می‌نوشند، بطوری که گروهی از آنان بر کنار نهری عبور می‌کنند، و تمام آب آن را می‌نوشند و آن را خشکیده رها می‌کنند، بعد از آنها هر گاه گروهی از آنجا عبور کند، می‌گوید:

اینجا قبلاً آب بوده، و همه مردم در پناهگاهها پنهان هستند، برخی از قوم یأجوج و مأجوج می‌گویند:

ما از تمام اهل زمین فارغ شده ایم، الان اهل آسمان مانده اند.

آنگاه تیر و نیزهای خود را بسوی آسمان پرتاب می‌کنند، و برای ابتلا و آزمایش آنان خون آلود بطرفشان بر می‌گردد، آنگاه خداوند یک نوع کرم مانند ملخ می‌فرستد، که از

۱- حدیث صحیح است مسند احمد (۵۱۰/۲) و سنن ترمذی (۳۱۵۲) و سنن ابن ماجه (۴۰۸۰).

گردنهایشان بیرون می‌آید، و بوسیله همان همگی هلاک می‌شوند، پس حرکت و صدای از آنان شنیده نمی‌شود.

آنگاه مسلمانان به یکدیگر می‌گویند: آیا کسی فدای است که برود ببیند دشمنان چه شدند؟!.

پس یکی از مسلمانان برای این کار داوطلب می‌شود و می‌رود، به این گمان که حتماً کشته خواهد شد، وقتی می‌رود می‌بیند که همه روی هم ریخته شده‌اند، و مرده‌اند. با صدای بلند صدا می‌زند: ای مسلمانان! مژده دهید، خداوند دشمنان شما را نابود کرد، پس آنان از پناهگاههای خود بیرون می‌آیند، و گوسفندان و مواشی خود را به چرا می‌برند، آنگاه برای گوسفندان و چهارپایانشان؛ هیچ چیز بهتر از گوشت آنان نیست، و با گوشت یاجوج و ماجوج چاق و چله می‌شوند»^(۱).

هلاکت یاجوج و ماجوج

در صفحه گذشت ذکر شد که خداوند یک نوع کرم بر آنان مسلط می‌کند، و بر اثر آن هلاک می‌شوند، در روایات دیگر آمده:

«حضرت عیسی و یارانش در محاصره هستند، تا جای که یک سر گاو نر برایشان از صد دینار امروز شما، بیشتر ارزش دارد... بعد از هلاک یاجوج و ماجوج در سر تا سر زمین جای وجود ندارد، مگر اینکه اجساد آنان افتاده است، و همه جا از بوی متعفن آنان پر شده است، آنگاه عیسی بن مریم و یارانش به درگاه خدا دعا می‌کند. پس خداوند پرندگان را همچون گردنهای شتر می‌فرستد که آنها را بر می‌دارند، و هر جای که خدا بخواهد می‌اندازند.

۱- مسند احمد (۷۶/۳) و سنن ابن ماجه (۴۰۷۹) و آلبانی آن را حسن دانسته است (سلسله صحیحہ ۱۷۹۳).

آنگاه خداوند باران تندی را می‌فرستد و زمین را از آثار آنان پاک می‌کند، سپس به زمین امر می‌کند، گیاهانت را برویان، و برکتهایت را برگردان، پس در آن ایام گروهی از یک انار سیر می‌شوند، و در سایه گل و پوست آن می‌نشینند. و خداوند در همه چیز برکت می‌دهد بطوری که یک شتر شیرده گروهی زیاد از مردم را کفایت می‌کند، و یک گاو شیرده برای یک قبیله کافی است، و شیر یک گوسفند شیرده، برای تعداد بیشماری کفایت می‌کند»^(۱).

خسوف سه گانه

خسوف: یعنی فرو رفتن در زمین.

هر چند که خسوفهای مختلفی رخ داده است، چنانکه ما در نشانه‌های کوچک قیامت ذکر کردیم، اما این سه خسوف که از علامات بزرگ بشمار می‌آید هنوز بوقوع نیبوسته است: در حدیثی که حذیفه بن أسید رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره نشانه‌های دهگانه قیامت روایت کرده آمده است:

«... و ثلاثة خسوف، خسوف بالشرق، و خسوف بالمغرب، و خسوف بجزيرة العرب، سه خسوف صورت می‌گیرد، خسوفی در مشرق، و خسوفی در مغرب و یک خسوف دیگر در جزيرة العرب خواهد بود»^(۲).

ام سلمه رضی الله عنها می‌گوید:

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود:

«بعد از من خسوف (فرو رفتن) در مشرق، و خسوف در مغرب و در جزيرة العرب

رخ خواهد داد» عرض کردم:

۱- صحیح مسلم (۲۹۳۷).

۲- صحیح مسلم (۲۹۰۱).

آیا در زمین خسف صورت می‌گیرد در حالی که افراد صالح میان ما وجود دارند؟.

فرمود:

«هر گاه اهل زمین پلیدی و خباثت بسیاری مرتکب شوند»^(۱).

دود

یکی از نشانه‌های بزرگ قیامت اینست که دود همه جا را فرا می‌گیرد، قرآن کریم و سنت رسول خدا ﷺ بر این نشانی دلالت دارد:

خداوند می‌فرماید: ﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١﴾﴾ [الدخان: ۱۰-۱۱]. «پس (ای پیامبر) منتظر روزی باش که آسمان دودی آشکار (پدید) آورد. که (تمام) مردم را فرا می‌گیرد، این عذابی دردناک است».

در باره این دود که در این آیه ذکر شده علماء دو نظریه دارند:

۱- این دود همان حالت سختی و گرسنگی بود که برای قریش رخ داد، که از شدت گرسنگی در آسمان چیزی مانند دود مشاهده می‌کردند، صحابی جلیل عبدالله بن مسعود رضی الله عنه و گروهی از علماء به این رأی قائل هستند^(۲).

۲- این دود از نشانه‌های است که هنوز نیامده، و قبل از وقوع قیامت خواهد آمد، صحابی بزرگوار عبدالله بن عباس رضی الله عنهما و جمعی از تابعان و ائمه به این قول قائل هستند، و در احادیث صحیح ظاهر شدن دود یکی از علامات بزرگ قیامت بشمار آمده است^(۳).

امام ابن کثیر می‌گوید:

قول راجح اینست که از علامات بزرگ قیامت است، و هنوز آشکار نشده است^(۴) و امام نووی نیز به همین رأی قائل است^(۱).

۱- طبرانی روایت کرده است. (مجمع زوائد ۱۱/۸).

۲- به تفسیر طبری (۱۱۴/۲۵) و فتح الباری (۵۱۱/۸) رجوع کنید.

۳- فتح الباری (۲۱۸/۵۱۱، ۳/۸) و تفسیر ابن کثیر (۲۳۵/۷) و شرح صحیح مسلم (۲۵۶/۹).

۴- علامات يوم القيامة (النهاية) (ص ۲۱۷).

در حدیثی که حذیفه درباره نشانه‌های بزرگ قیامت روایت کرده آمده: «... و دود»^(۲).
 ابوهیره رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که فرمود:
 «سه نشانی است که اگر آشکار شد، کسی که ایمان نیاورده، ایمان آوردنش بعد از
 آنها، به او سودی نمی‌بخشد، طلوع خورشید از مغرب، و (ظاهر شدن) دود و (خروج)
 جنبنده زمین»^(۳).

۱- شرح صحیح مسلم (۲۵۶/۹).

۲- صحیح مسلم (۲۴۹/۱۵۸) و مسند احمد (۵۸۸/۲).

۳- صحیح مسلم (۱۵۸).

طلوع خورشید از مغرب

یکی از علامات بزرگ قیامت طلوع خورشید از سمت مغرب می باشد، که بعد از آن توبه پذیرفته نمی شود، و ایمان آوردن سودی ندارد.

در قرآن کریم آمده است:

﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِن قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ

فِي إِيْمَانِهَا حَيْرًا﴾ [الأنعام: ۱۵۸]. «روزی که بعضی از آیات پروردگارت بیاید (و بر آنها ظاهر شود)، ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده اند، یا در ایمانشان (عمل) نیکی انجام نداده اند، سودی به حال آنها نخواهد داشت».

بیشتر مفسرین می گویند: مراد از بعض آیات طلوع خورشید از سمت مغرب می باشد^(۱).

عبدالله بن عمرو العاص رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمود:

«اولین نشانه‌های قیامت که ظاهر می گردد، طلوع آفتاب از مغرب، و خارج شدن جنبنده (دابه) در وقت ظهر است، و هر کدام پیش از دیگری بود، پس آن دیگری در پی آن نزدیک است»^(۲).

و ابو هریره رضی الله عنه روایت می کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«قبل از آمدن شش (نشانی و علامت) به انجام دادن اعمال صالح مبادرت ورزید،

طلوع خورشید از مغرب، دود، و دجال و ...»^(۳).

در حدیث دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

۱- تفسیر ابن کثیر (۳/۳۶۶) و تفسیر طبری (۸/۹۶).

۲- صحیح مسلم (۲۹۴۱).

۳- صحیح مسلم (۲۹۴۷).

«قیامت بر پا نمی‌شود تا زمانیکه خورشید از مغرب طلوع کند، پس هنگامی که طلوع کرد، و مردم آن را دیدند، همگی ایمان می‌آورند، و آن وقتی است که ایمان آوردن شخص سودمند نخواهد بود»^(۱).

و در حدیث حذیفه غفاری آمده: «... و طلوع خورشید از مغرب...»^(۲).
تا قبل از طلوع خورشید؛ دروازه توبه باز است، اما بعد از طلوع خورشید از سمت مغرب؛ دروازه توبه بسته می‌شود، و ایمان نیز پذیرفته نمی‌شود^(۳).

خروج جنبنده (دابه) از زمین

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِغَآئِبَتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ [النمل: ۸۲]. «و هنگامی که فرمان (عذاب) بر آنها واقع شود (و حادثه قیامت نزدیک شود) جنبنده‌ای را از زمین برای آنها بیرون می‌آوریم که با آنها سخن گوید، که مردم به آیات ما یقین نمی‌آورند»
هنگامی که مردم تغییر می‌کنند، و غرق در معاصی و منکرات می‌شوند، و دین و احکام الهی را رها می‌کنند، خداوند جنبنده‌ای از زمین بیرون می‌آورد، که آن با مردم سخن می‌گوید^(۴).

در حدیث حذیفه آمده است: «... و جنبنده»^(۵).

۱- صحیح بخاری (۴۶۳۶) و صحیح مسلم (۲۴۸/۱۵۷).

۲- صحیح مسلم (۲۹۰۱).

۳- فتح الباری (۳۵۴/۱۱) و کتاب التذکرة (ص ۵۸۴).

۴- به تفسیر ابن کثیر (۲۸۲/۶) و تذکره قرطبی (ص ۵۷۸) رجوع کنید.

۵- صحیح مسلم (۲۹۰۱).

و حدیث عبدالله بن عمرو بن العاص، و همچنین حدیث ابوهریره رضی الله عنه درباره اینکه بعد از آمدن سه علامت ایمان پذیرفته نمی‌شود، و قبل از شش علامات برای انجام اعمال صالح مبادرت ورزید، در باب قبلی گذشت.

جنبنده (دابه) چیست؟

درباره این جنبنده علماء اقوال مختلفی دارند: برخی می‌گویند: بچه شتر حضرت صالح است. برخی گفته‌اند: جساسه است، که در حدیث تمیم داری، در داستان دجال ذکر شده است.

و برخی گفته‌اند که: همان ماری است که بر روی دیوار کعبه بود، هنگامی که قریش خواستند آن را تجدید بنا کنند و عقابی آمد، و آن مار را ربود.

و عده‌ای نیز گفته‌اند: آن جنبنده انسانی است که با اهل باطل و کفر مجادله و مناظره می‌کند^(۱).

آتشی که مردم را به محشر سوق می‌دهد

آخرین نشانه از نشانه‌های بزرگ قیامت، آتش عظیمی است که از سرزمین (عدن) یمن بیرون می‌شود، و مردم را بسوی سرزمین محشر سوق می‌دهد. در حدیث حذیفه آمده است:

«و آخرین آنها آتشی است که از یمن بیرون می‌شود، و مردم را به سوی سرزمین محشر می‌راند»^(۲).

طبق روایاتی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است، سرزمین شام سرزمین محشر می‌باشد. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بسوی سرزمین شام اشاره کرد، و فرمود:

۱- به کتاب تذکره قرطبی (ص ۵۷۸) و تفسیر قرطبی (۲۳۵/۱۳) و أشرط الساعه (۴۰۷) رجوع کنید.

۲- صحیح مسلم (۲۹۰۱).

«اینجا حشر می‌شوید، اینجا حشر می‌شوید، اینجا حشر می‌شوید، سواره، پیاده و برچهرهای تان»^(۱).

بعد از ظهور آن نشانه‌های بزرگ، و دگرگون شدن نظام جهان، و از بین رفتن شریعت، و ویران شدن کعبه، و خراب شدن شهر مدینه، و وفات مؤمنان؛ قیامت ناگهان بر پا می‌شود. و هنگامی که قیامت بر پا می‌شود، تنها اشرار و فاسقان باقی هستند، و قیامت بر آن بر پا می‌شود.

والحمد لله رب العالمین

راه نومیدی گرفتم رحمتم دل می‌دهد
 کای گنه کاران هنوز امید عفو ست از کریم
 گر بسوزانی خداوندا سزای فعل ماست
 ور ببخشی رحمتت عامست و احسانت قدیم
 گرچه شیطان رجیم از راه انصافم ببرد
 همچنان امید عفو میدارم برحمن رحیم
 آنکه جان بخشید و روزی داد و چندین لطف کرد
 هم ببخشاید چو مستی استخوان باشیم رمیم

التماس دعای خیر

دکتر حسین تاجی گله داری

۲۰ جمادی اول ۱۴۲۷ هـ